

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
انتخابات ریاست جمهوری
را تحریم کنید!

تدارک تحمیل رئیس جمهوری ارتجاع

این روزها، در غربیوآ زیرخوردن و نجات برپا پیسی بمب بر سر مردم، در طنین رگبار مسلسل‌های ارتجاع که همچنان سینه پاک انقلابیون و میهن پرستان را می‌تکا فودورحالی که خروش مردم علیه اینهمه ستم و جنایت اوج می‌گیرد، رژیم درندارک برگزاری "انتخابات" ریاست جمهوری است.

تلاشهای رژیم

رژیم ارتجاع از "انتخابات" حرف می‌زند، اما هدفش چیزی جز برگزاری یک مراسم برای قانونی جلوه دادن رئیس‌جمهور منسوب دستگاه ولایت فقیه نیست. اصول بنیاد ارتجاعی "ولایت فقیه" همه اصول و ضوابط ناظر بر "انتخابات" و رژیم حاکم در مجموع اجزاء آن، ناشی هرگونه اعمال آرا ده آزادانه مردم و خواهان متابعت مطلق خلق از صاحبان زور و توترونیست. نامزد مطلوب ولایت فقیه برای مقام ریاست جمهوری کسی است که با خون انقلابیون و رزمندگان میهن پرست و فوجیان در محراب با زار و رویه قبله کلان تاجران و بسزرگ غارتگران نماز بگذارد، بر همه حقوق کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و همه خلقهای کشور با بگذارد و سرانجام از دست شورای نگهبان ارتجاع رخصت نموا و ز "مام" کلان تا چرا زوبیزرگ مالکان و جنگ افروزان برای "ریاست" افتاء بگیرد. چنین اهریمنی با همه مختصاتش در اصول و قوانین ناظر بر انتخابات "ریاست جمهوری" ترسیم شده است و آنچه رژیم می‌خواهد در واقع چیزی جز آویزان کردن شماری رای برگردان این "بنده حقیر" ولایت فقیه نیست.

مبارزه علیه تحمیل قانون کار
ارتجاعی را سازمان دهیم

بقیه در صفحه ۴

ایران، میدان رزم خلق علیه جنگ، برای صلح

خرداد ماه سال ۵۶، ماه دلپره و اضطراب، ماه مرگ و ویرانی و ماتم برای مردم ایران بسود. تهران و تمام شهرهای غرب و مرکز و حتی شمال کشور طعمه بمبارانهای وحشیانه و جنگا رانسه رژیم صدام بود. دؤخیم چماران روز عید قنبر بار دیگر چهره پلید خود را با تاکید بر ضرورت ادامه این جنگ پلید آشکارا ترساخت. درحالی که عفریت جنگ خواب و راحت را از همه مردم سلب کرده و بیپروچوان وزن و کودک را در کوره‌های خود کاسترمی کند هیچ چیز نفرت انگیزی و شرمانه ترا تلاش برای ادامه این جنگ ارتجاعی نیست.

بسیج خلق در راه سرنگونی رژیم

انتشار بیانیه مشترک کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران، با عنوان "پیروزی دمیبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" وظایف بسیار مهم و خطیری را پیش روی ما قرار داده است. در اس این وظایف تبلیغ و ترویج مضمون این بیانیه در میان توده‌ها و بسیج آنها برای مبارزه هر چه گسترده تر در راه سرنگونی رژیم است.

در بیانیه آمده است: "در حال حاضر مهم‌ترین و عاجل‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه‌ای که در برابر زحمتکشان و همه میهن پرستان قرار دارد، مبارزه برای سرنگونی این رژیم استبدادی فئودالی و سوسیالیستی است." بیانیه دلایل کافی در اثبات ضرورت سرنگونی رژیم به دست می‌دهد و نشان می‌دهد که چرا شرایط برای پیشرفت این مبارزه مساعدتر می‌شود.

اعتصابات و تظاهرات توده‌ای برفد جنگ و علیه استکباری سیاسی و اقتصادی رژیم دایما افزایش می‌یابد و هر روز گرو و بیشتری از مردم، در این مبارزات شرکت می‌جویند و همه چینی‌کشی که قدرت سیاسی رژیم را آماج مبارزه آشکار خود قرار می‌دهند و به رودر رویی با این رژیم تبهکار برمی‌خیزند افزوده می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که روحیه زحمتکشان و همه مردم در جهت مبارزه فعال علیه رژیم در حال تغییر است. اکنون ایجاد نارضایتی و اعتراض مردم تا بدان حد رسیده است که در بسیاری مواقع از حوادث فرعی و جزئی جرقه‌ای می‌سازد تا تظاهرات مبارزه علیه رژیم را به خیابان بکشاند. مبارزات سال گذشته و مسائل جاری بویژه در شهرها، نمونه‌های بسیاری از اینگونه اعتراضات خیابانی به دست می‌دهند. در این مدلل می‌سازد که روحیه انقلابی مردم در حال اعتلاست و همین عامل آنان را به تشدید دفاع لیت بقیه در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
با گسترش اعتصابات و تظاهرات
علیه جنگ، صلح را برقرار سازیم

بقیه در صفحه ۳

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به خلق پیا خاسته کرد

بقیه در صفحه ۳

- شصت و پنجمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران در صفحه ۵
- از روزهای تلخ تیر در صفحه ۸
- مصوبات کنکره ششم "خانه کارگر" را افتا کنیم در صفحه ۵
- زندانیان سیاسی آماج شکنجه و اعدام در صفحه ۱۲
- دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان در صفحه ۱۲
- جنگ برادرکنی در لبنان و شیدای‌های رژیم ایران در صفحه ۹
- کنکره بین‌المللی ضد انقلاب! در صفحه ۹
- جمهوری اسلامی، در کنار آمریکا، علیه افغانستان در صفحه ۴
- دلارهای آمریکا علیه نیکاراگوا در صفحه ۹

علیه جنگ، برای صلح، پیا خیزیم!

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کنید!

هموطنان عزیز!

رژیم جمهوری اسلامی انتخابات چهارم ریاست جمهوری را اعلام کرده است. انتخابات در حالی برگزار می شود که رژیم ارتجاعی خمینی از هیچگونه تمهیدی برای علیه مردم فروگذار نیست. جنگ طلبی خمینی و دیگر سران مرتجع و ضد مردمی رژیم، کشور را در آتش و خون و فلاکت فرو برده است. کلان سرما به داران و زمینداران بزرگ درجاست سکنین حکام جمهوری اسلامی و قوانین آن به غارت و استعمار و جپا و لگری افسار گسیخته منوالند، درهای اقتصاد کشور چها رطایب به روی مبریا لیستها باز شده است. هر حق پایمال و هر مدای مخالفی با سرکوب و سر سبزه مواج است. قضا و شوقییب، بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام مخالفین به سیاست اصلی رژیم برای حفظ حکومت قدرمدمی، شوم و ارتجاعی جمهوری اسلامی میدل کرده است. احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی و حشیانسه موردتجاهم قرار گرفته، انقلابیون میهن پرست دست به گلوله بنشسته می شوند. تمام میشریات مترقی توقیف شده، هر قلمی شکسته و هرفریس از آذیخواهی می سرکوب می گردد، اعتراضات کارگران و دهقانان را و قضاار مختلف مردم برای دفعاع از حقوق ابتدایی خود دستتیبایی به خواستههای اقتصادی، سیاسی و غیره با سرکوب و گلوله و زندان روبرو است. حق هرگونه تشکل و حرکت و فعالیت آزادانه ای از مردم سلب گردیده است. انتخابات در شرایطی برگزار می شود که احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی کشور تمام از حقوق شرکت در آن محرومند. تنها کسانی اجازه دارند در انتخابات شرکت کنند که نور چشم و مورد پسند شورای نگهبان ارتجاع و از حامیان رژیم استبدادی و ارتجاعی ولایت فقیه باشند. با گندیدهای موردتجاهم رژیم نیز جز کسانی از قماش خا منهای نیستند، کسانی که دستشان تا مرفق به خون فرزندان و هموطنان آلوده است، کسانی که خاشاک به انقلاب و دشمن مردم اند.

رژیم هرگونه نشانی از آزادی انتخابات را لگدکوب کرده است. خطابه ها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، همه برای حزب جمهوری اسلامی، سپاه و کمیته و غیره، همه همه دست اندرکارانند. باقی توده ها و تحمیل و تقلب، فرد مورد نظر را از مندوقهای رای بیرون بکشند. هدف برگزاری این نمايش انتخابی نیز فریب مردم و مشروع جلوه دادن این رژیم جنایتکار و انتصاب رییس جمهوری پلید آن است. هم میهنان مبارز!

در شرایطی که حاکمیت ارتجاع، کشور را به نابودی می برد، در شرایطی که ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای مردم پایمال می شود و هیچ امکانی برای یک انتخابات آزاد و واقعی وجود ندارد، تنها پاسخ نیروهای انقلابی و آزادیخواه میهن پرست کشور، تحریم این خیمه شب بازی انتخاباتی است. توده های وسیع مردم مبارز میهن ما با عدم شرکت در این مضحکه انتخاباتی دشمنی خود را با حکام جمهوری اسلامی اعلام می دارند. تحریم انتخابات ریاست جمهوری عرصه ای از مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. ما نورهایی نیستند آزادی در برخورد با شما پیش انتخاباتی رژیم مستبد حاکم متوجه انحراف مبارزات مردم ایران از مسیر اصول انقلابی است. هدف نهضت آزادی از این ما نورها پیش را ندن مقاصد تنگ نظرانه سیاسی خود در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این تلاش دارانند مبارزه گسترش یافته مردم علیه رژیم ربه براه هب کشند، این سواد می مردمی در سرندارند، هدف اصلی شان سهیم شدن در این رژیم فاسد است. رژیمی که متکی برستم و استعمار و نابرابری اجتماعی و استقلال شکنی است.

در شرایط اوج گیری خشم و نفرت شما از رژیم قرون وسطایی دارو دستهای سلطنت طلب مذبحخانه تلاش می کنند جنایات خویشت را در جبا بپیکار میهنی

جمهوری اسلامی پنهان سازند. آنها برای بازگرداندن سلطنت و پهن کردن بساط جپا و لگری و ستم خود تبلیغات می کنند. با همه شان سیاسی بلیدیه آنها و افشاء کشید و هر کجا آنها را در کنار مرتجعین حاکم آماج رزم خود قرار دهید.

مردم مبارز ایران!

با تحریم یکپارچه انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، مبارزه توده ای علیه ارتجاع گسترده تر و نیرومندتر می شود. خیمه شب بازی انتخابات را به صحنه افشای بی ما ن جنایات رژیم خمینی میدل کنیم. چهره آزادی کش فسق کجک جنگ طلب و ضد مردمی رژیم را در بین مردم و در نظر رجهای نسبی هر چه بیشتر بر ملا سازیم.

این رژیم دشمن آزادی و دشمن مردم است. تا این رژیم استبداد ارتجاع برقرار است، هیچگاه آزادی واقعی و انتخابات واقعی از وجود نخواهد داشت. حکومت مرگ خود را در انتخابات آزاد مردمی می بیند.

فدائیان خلق ایران - شما ربه تحریم انتخابات ریاست جمهوری دعوت می کنند. مبارزه شما نه شما در نمونه های چون اعتماد دوب آهن و نظارات فدننگ محله ۱۳ آبان پشت رژیم الزاننده است. این بازیها عدم شرکت خود را در انتخابات و تشویق دیگران به عدم شرکتی دندان شکن به خیمه شب بازی رژیم بدهید، پروا انتخابات پای صندوقهای رای حاضر نشوید!

پیروزی ما مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ خرداد ۱۳۶۴

میان بخش بزرگی از مردم صرافیه ارتجاع تجربه مشخص خود و بیخود نگینت و سازمان نایافته انتخاباتی حکومتی را تحریم می کنند. ورنگستان سلطنت طلب این بازیها خواهند کوشید که اولاً بیکار خود را نگینت توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی را زیر تا شریکند و با مظلومان مواج آن سوار شوند، ثانیاً بزورانه و به کمک مکانیک وسیع تبلیغاتی که امپریالیسم ارتجاع منطقه در اختیار آنها می گذارد می کوشند عدم شرکت مردم در انتخابات را نشانند تا خود را در میان مردم قلندار کنند و به حساب خود بنویسند. افشای این فریبکاری شاه پرتان منغوریک و وظیفه انقلابی است.

نیروهای انقلابی بر سر ترشناختی که توده ها از سلطنت و سلطنت خواهان دارند به آسانی می توانند هدفها و نقشه های آنان را برای مردم تشریح و افشاء کنند. اما انجام این وظیفه قطعاً در گردن کار اهمیت و ضرورت آن است. چه بسا افشاء تلاشهای آنان کم بهما داده شود. آنان نیز خواستار همین ساد ه هستند چرا که تنها بر سر ترشناختی و اشتباه ما امکان می یابند به مسموم ساختن اذهان بپردازند.

روزه سخن گفتن از هر وظیفه جدی فرا روی نیروهای مردمی ضرورتاً لزوم تا کید مگر بر اراحتا دو همگاری را پیش می آورد. واقعیت این است که تفرقه به اندازه خطرناکترین دشمنان جنبش بر ما ضربت وارد می کند، محاسبه کنید که اگر سازمانهای انقلابی و مبارز کشور ما طی یک موضع گیری مشترک انتخاباتی فرمایشی را تحریم می کردند و مکانیک خود را بطور هماهنگ در خدمت بسیج مردم و جلب آنها به شعار خود قرار می دادند تا چه اندازه منظره تغییر می کرد و تا چه اندازه اعتماد توده ها به اپوزیسیون متردمی تقویت می گشت. متأسفانه هر اس و بنا بپیکری برخی از نیروها مثل مجاهدین و گروههای چپ ارتجاع و همگاری نیروهای ملی و دموکراتیک ما منع بسیار جدی در این راه است. با این همه ما فکرمی کنیم آماج های مشترک نیروهای ملی و مردمی کشور ما زمینه ساز نزدیکی ناگزیر افشاء و فعالین و هواداران این سازمانها در عرصه مبارزه است. شکلی گیری روند "اتحاد عمل" در پایین خود متعین کننده ضرورت عینی همگاری و اتحاد عمل سازمانهای ترقیخواه و مبارز است و به نوبه خود ضرورت غلبه بر آه های فلج کننده ای را که در بالا زان تا وجود دارد. بیظنر جدی تر در سطح گسترده تری مطرح خواهد ساخت.

تحریم یکپارچه انتخابات از سوی سازمانهای مبارز و انقلابی و انسکلی وسیع آن در میان توده ها اقدامی جدی در افشاء و انقراض رژیم، و به نوبه خود در خدمت بسیج یکپارچه مردم علیه جمهوری استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

"نهضت آزادی" تیزکاری است تا غوغای آبرواز "آزادی" روشن سازد. "نهضت آزادی" مثل سایر جریانیهای مشابه بورژوازی قبل از هر چیز خواهان آزادی برای بهره کشی و غارت خداوندان سرمایه است و آنچه را قابل معامله نمی داند نیز زمین است. در مقابل آزادی توده ها، آزادی تشکل توده ها و آزادی سازمانهای انقلابی مدافع رنجبران، و بیظنر مشخص آزادی پیشاهنگ طبقه کارگر مساله ای است که تنها باعث هراس آن می شود. در مقابل نهضت آزادی، با ولی مرتجع که خودتجسم کامل استبداد است کنار می آید و در چارچوب جمهوری اسلامی به مختصات قرون وسطایی به دفعاع از آزادی می پردازد. آقایی بازرگان حتی با پیش ترس می گذارد و طی مصاحبه ای یکی از نشریات غربی مدعی می شود که "مردم جمهوری اسلامی را بر سایر رژیمها ترجیح می دهند". بدین ترتیب آماج های سازنگارانه خود را بیما به آماج های مردم می زند.

هدف اساسی "نهضت آزادی" از یک سو بند کردن آزادی، دفاع از منافع بهره کشان و منحرف کردن مبارزه مردم در سمت آماج های بورژوازی و سازنگارانه خویش است. محتوای عملی و مشخص آزادی خواهی "نهضت آزادی" در شرایط کنونی به کسب آزادی برای خود محدود می شود. این جریان با شرکت در کارزار انتخاباتی نیز بر علم آزادی و هدف عمده رای می گیرد: اولاً از این راه می کوشد تا مردم را نسبت به خود جلب و امیدوار سازد و در پرچم دروغینش را در این اعتراضات مردم بالا کند، ثانیاً تلاش دارد که در انتخابات شرکت داده شود و از این طریق هم خود را وسیع تر مطرح سازد و همراهی به سوی شرکت در حکومت بگیرد. بگناید، قابل تصورات که اگر نهضت آزادی در انتخابات شرکت داده شود، در حالی که در مقابل آن جزمیتی آید و خواه منغور قرار دهند، امکان است بیشتر برای تا شریکداری با زدارانده در میان مردم می یابد. چنین حالتی در جهت مقابله با تا کتیک تحریم مورد دفاع سازمانهای انقلابی و مردمی و در جهت مقابله با روند ربه اوج پیکار و توده ها علیه رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی است. با توجه به همه این حقایق افشاء مانورها و ادعا ها و تحلیل های من درآوردی "نهضت آزادی" در زمره وظایف بسیار جدی سازمانهای انقلابی و مبارز قرار دارد.

تشیبات شاه پرتان افشاء نقشه ها و تلاشهای سلطنت خواهان در همه حال یکی از وظایف جدی نیروهای انقلابی است. این وظیفه در کارزارهای که حول انتخابات جریسان می یابند نیز زمینه ضرورت جدی دارد. اکثریتی عظیم مردم ایران اعتراض و مخالفت خود با رژیم و سیاستهای ارتجاعی آن را با امتناع از شرکت در انتخابات بروز می دهند. در این

لدارک تحصیل ... بقیه از صفحه اول می کنند. تنها "رای" دهندگان قابل اعتماد حکومتمیان خودشان و سبها و کارگران و قو کوشان و جیره خواران نشان می دهند. روش رژیم برای افزایش این آراء، اساساً اعمال زور و تهدید و ارباب است. در بهترین حالت ما شین های سپاه و ارتش و بسیج را می فرستند تا از روستا های دور و نزدیک شهرها را شریک سازند و حیل و حیل جمعیتی را برای صندوقها بکشند. علاوه بر این در پناه ریش و عمامه و به کمک بیوق های شیطان خود به هزار فریبکاری دست می زنند که شاه بیت آنها تعیین تکلیف شرعی است!

با اینهمه حکومتیان اینجا و آنجا به منظور چهره آرای و فریب خلقها از انتخابات آزاد هم حرف می زنند. برای آنها شرکت مردم در انتخابات گنوسی و در بدو گنوسیهای همانند بسیار پرا همیت است. خلیفه جماران و دولتتردان وی با رها گشته اند که "مردم خزانه جمهوری اسلامی هستند". آنها سبها می خواهند جنگ با عراق و لشکر کشی علیه سازمانهای ترقیخواه و غارت دسترین و خزانه مردم را به حساب همین "خزانه" یعنی به حساب خود مردم انجام دهند. آنها از شرکت هر چند اندک عده ای در نمايشها و فراخوانهای خود بهره می گیرند تا نشان دهند هنوز تنهای تنها نشده اند. همین مصلحت ها سبب می شود که رژیم تلاش کند، بهر حال عده ای را برای صندوق ها بکشند، به همین منظور اینجا و آنجا استبداد مطلق قرون وسطایی را "آزادی" می نامند و چنین وانمود می کنند که خود مردم "آزادانه" به نامزدهای ولی مرتجع برای پستهای حکومتی رای می دهند!

ما نورهایی و هدفهای "نهضت آزادی" از همان آغاز مطرح مساله "انتخابات" ریاست جمهوری، "نهضت آزادی" علم "آزادی" به کسب یا در کارک تبلیغات تنها دویا قافیه "آزادی" به مشا عره با استبداد حاکم مشغول شد. از این جریان بهمانه یک حزب بورژوازی و لیبرال از نزدیکترین همسایگان سیاسی جمهوری اسلامی است. آماج های اقتصادی - اجتماعی "نهضت آزادی" در اساسی ترین وجوه با آنچه در جمهوری اسلامی پیش می رود انطباق ندارد. سرما به دارانی که پایگاه آن هستند، امروز در پناه حکومت کیسه های خود را پر می کنند و از این نظر کمبودی ندارند. بر همین پایه مشغول متعین اختلاف نهضت آزادی و حکومت بطور عمده به نقش و سهم نمایندگان جریانهای مختلف بورژوازی در حکومت و هدف تشکل دولت و روش حکومت و چگونگی اداره موربری می گردد.

آقایی بازرگان همان وقت که نخست وزیر بودند برای مردم بهمانه انداز که کافی روشن کردند که مورد استقلال و عدالت اجتماعی حرفی بیشتر و بهتر از آنچه رژیم می زند، ندارند و ما در مورد "آزادی" چه می گویند؟ تنها رجوع به فعالیت تبلیغی اخیر می



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با گسترش اعتصابات و تظاهرات علیه جنگ، صلح را برقرار سازیم

مردم مبارز ایران!

حملات نظامی تازه رژیم جنایتکار و خمینی به خاک عراق و بمباران مردم شهرهای کشور ما توسط رژیم جنایتکار عراق، با بردگی و سرکوب مردم است. از آسمان ایران بر سر مردم خسته و متنفس از جنگ، باران مرگ می بارد، بمبهای صدام جنایتکار خانه و گاشانه مردم را در هم می کوبد و انسان را در خواب و در بیداری به خون می کشد. هربم مردم در انتظار زندگی بیگانه مرگ صدام بلید در خانه آنان را ببینند و دوستی آنان را بسوزانند. دلهره و اضطراب و احساس بی پناهی مردم تا آنجا است که هر شهروندی را در این شهرها و بیابانها روی می آوردند تا شب را به سلامت بیری کنند.

خودداری از برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات صلح توسط رژیم خمینی، هر بار موج تازه ای از بمباران مناطق مسکونی را برای مردم ایران به ارمغان می آورد. هربار رژیم جنایتکار عراق، به این بهانه فرصت می یابد تا برخانه و گاشانه مردم بی دفاع مادرشهرها و بمب مرگ فروریزد و در روز صدها خانواده ایرانی را در ماتم عزیزانشان بکشاند. حملات جنون آمیز نظامی خمینی به خاک عراق هزاران نفر از جوانان ما را به مارا به کشتن می دهد تا آتش جنگ را شعله ورتر سازد.

همان جنایتی که رژیم عراق با مردم ایران می کند، خمینی آنرا در عراق تکرار می کند. مردم سرزمین ایران هم جنایت صدام و هم مقابله با صدام جنایتکارانه خمینی را محکوم می کنند. مردم ایران عراق از هر دو رژیم متنفرند، این رژیم ها یکی از دیگری نفورترند. این دو رژیم می کشند در مسابقه جنایت و خیانت بزرگ دیگر سبقت بگیرند.

هم میهنان عزیز!

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در همان حال که علیه رژیم جنگ افروز خمینی بیگانه می کند، جنایات ضد مردمی عراق را پیگیرانه افشای می کند، قطع مقطعی بمبارانهای هوایی توسط

پیام به خلق پیا خاسته کرد به مناسبت ششمین سالگرد تهاجم رژیم به کردستان

خلق مبارز کرد!

با فرارسیدن تیرماه، شش سال از یورش وحشیانه و خونین جمهوری اسلامی به کردستان کردستان می گذرد، جمهوری اسلامی و حکم جنایتکار آن ستمگر و سوارمرد و پیرانی هیچ چیز دیگری برای شما ندانسته اند. سیاهکارها و جنایات و محنتی که طی این مدت به فرمان خمینی بر شما مردم محروم زجر کشیده کردستان روا شده، بی سابقه بوده است. آنان در این مدت با هجوم نظامی به سرزمین کردستان، هزاران نفر از مردم کردستان را به شهادت رسانده و دهها هزار نفر از هم میهنان دیگر ما را کشته اند. آنها در منشته همه حقوق ملی مردمی خلق کردستان را کمال می کنند. ستمیها را در سربازان خونین هرندی حق طلبانه، اساس سیاست رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با مساله کردستان است.

رژیم جنگ افروز خمینی، با ادامه جنگ با شما برانداخته ایران و عراقی مصائب بی شماری را به مردم میهن ما تحمیل کرده است. آدامه تهاکارانه جنگ خونریزی توسط حکام جمهوری اسلامی و جنایات رژیم ضد بشری صدام در بمبارانهای بی دریغی شهرهای بی دفاع و مردم محروم کردستان، جانهای عزیزان بی شماری را طعمه خویش ساخته و خانه ها و گاشانه شما را نابود کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی، بنا به ماهیت ارتجاعی و استبدادی خویش، بنا بر هکونه آزادی و آزاداندیشی کینه توزانه دشمنی می کند. دشمنی رژیم بسا خواسته های بی حق و عادلانه خلق کردستان مبارز شما در راه خودمختاری کردستان و تأمین حقوق ملی آزما هیبت آن نشأت می گیرد.

سال پیش یکی از دشوارترین سالهای مبارزه و مقاومت مسلحانه و عادلانه مردم کردستان علیه رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی بود. رژیم خمینی در پرتو جنایتکارانه علیه کردستان کسه همچنان ادامه دارد، از توسل به سیاست ارتجاعی گویج اجباری روستا نشینان تا بمباران و گلوله باران بر شهرها و روستاها، از کشتن زنان و کودکان بی گناه تا ویران سازی مناطق مسکونی، آتش زدن مزارع روستاها و حتی زدن بمبها چکه پیوسته حاکم برتر گیس و سوجست است.

مردم مبارز کردستان!

تشدید سرکوب خشن و جنایتکارانه خلق کردستان و نیروهای ملی و مترقی کردستان به هیچ وجه از سرکوب و وحشیانه جنشی اعتراضی و مطالباتی کارگران،

مجامع و محافل صلح دوست جهان از برقراری صلح حمایت می کنند. خواست ما بر حق است، در ایمن مبارزه ما حتما پیروزیم.

هم میهنان مبارز!

فداییان خلق ایران، در سراسر کشور علیه رژیم بلید خمینی و برای قطع این جنگ خانمانسوز مبارزه می کنند، فداییان خلق خواهان آنند که به نیروی اتحاد دهمه نیروهای صلح دوست و آزادخواه ایران سایه شوم جنگ و خمینی از زمین ما کوتاه شود و صلح و آزادی و عدالت و استقلال و سرفرازی در کشور ما برقرار گردد. ما همه سا زمانها، احزاب، شخصیتها و محافل دموکرات، صلح دوست و مترقی ایران را به اتحاد برای سرنگونی رژیم منحوس جمهوری اسلامی و برقراری رژیم دموکراتیک و ملی فرا می خوانیم. از مبارزه فداییان خلق ایران حمایت کنید، رژیم فرزندان فدایی شما را در کشیکه گاهها و زندانها به بندمی کشد، چرا که آنها فریاد می زنند ما صلح می خواهیم، ما آزادی می خواهیم، مرگ بر سر ارتجاع، مرگ بر رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی، زنده باد استقلال، زنده باد آزادی، زنده باد عدالت اجتماعی، زنده باد صلح.

مردم زحمتکش ایران!

به فداییان خلق ایران بیبوندید تا صلح را به کشور با زگردانیم و دموکراسی و عدالت اجتماعی و استقلال ملی واقعی را در میهن ما برقرار سازیم. به ما بیبوندید تا با سرنگونی رژیم جنایتکار ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی، جمهوری دموکراتیک و ملی ایران را در میهن خویش مستقر کنیم.

زنده باد صلح

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ خرداد ۱۳۶۴

یافته ما رزیر موردتأکید قرار گرفته است: ۱- شناسایی حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش ۲- شناسایی حق خودمختاری خلقهای ساکن ایران، برخورداری (آنها) از کلیه حقوق ملی و اجتماعی و فرهنگی خود ۳- پایان دادن قوری به جنگ برادر کشی در کردستان و جبران خسارات وارده به خلق ستمدیده کرد، در عین حال سازمان، از مبارزه حزب دموکرات کردستان ایران در راه سرنگونی رژیم خمینی و در راه تأمین خودمختاری کردستان حمایت می نماید. سازمان ما نسبت به تلاشها و توطئه های تفرقه افکنانه در صفوف نیروهای ملی و دموکراتیک در کل کشور و مترقی کردستان همدا می دهد و همه نیروهای ملی و مترقی خلق کردستان را به اتحاد در مجوبه نافرمانی خواند و این تاکتیک حزب دموکرات کردستان ایران را در همین راستا می یاند، که " ضروریست که اختلافات درجه ها و کتا رگذاشته شوند سعی بعمل آید که برسریک برنامه مشترک به منظور سرنگونی رژیم خمینی و برسریک آمدن یک رژیم دموکراتیک توافق شود.

رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برای تقویت مواضعشان در جنگ، به ما نوروها و تاکتیک های بی چاره در رابطه با نیروهای خلق کرد در کشور خود در دیگر، دست زده می زنند. هدف هر یک از این تلاشها، بهره گیری از جنبش خلق کرد علیه طرف متخاصم، همچنین تفرقه افکنی در صفوف مبارزین کرد و منحرف ساختن سمت اصلی مبارزه آنهاست. سیاستها بسیار باشند و رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق را در بهره برداری از این گونه تاکتیکها تا کام ما سازند.

خلق قهرمان کرد!

جمهوری اسلامی با یورشهای برسرمنا نه خود قادر نیست جنبش خلق طلبانه مردم میهن ما را در هم شکند. نه شاه و نه خمینی و نه هیچ مترج دیگری نتوانست و نمی توانند بر آده بولادین شما، در مبارزه برای تأمین خودمختاری کردستان و آزادی ایران غلبه کند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، با ردیگر حمایت قاطع خود را از خواست شما مبارزه عادلانه خلق کرد اعلام می کند و بر برای شما مردم دلیر کردستان و پیروزی و موفقیت روزافزون آرزوی کند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تیرماه ۱۳۶۴

صدام اساسا دلایل نظامی دارد. هدف صدام از این ما نوروها تقویت مواضع خود در جنگ است و هیچ ربطی به " احترام و ارزش " که گویا برای خلق ما و جان مردم ما قایل است، ندارد. اما هشیار باید که سران خائن جمهوری اسلامی از سرفرت شما از جنایات صدام به سود خود و به سود او که جنگ بهره برداری نکنند، این توطئه ها را بلید رژیم را هر چه قاطع تر با شکست مواجه سازید.

هم میهنان مبارز!

بیا غیزید و ننگارید و زخمی چماران بازم به این جنگ ادا می دهد. جز حکم جنایتکار جمهوری اسلامی هیچ کس دیگری نه در ایران و نه در عراق خواهان ادا می جنگ نیست، اگر می خواهی جنگ تمام شود، با ییدگویی این جنگ طلبان جنایتکار را به جنگ آوریم. راه پایان دادن به جنگ آن است که همه دست به دست می دهیم و علیه این جنگ و علیه رژیم خمینی بیا خیزیم.

باید از هر فرمتی استفاده کنیم، به خیا بانها بریزیم و علیه جنگ تظاهرات کنیم. راه پایان دادن به جنگ همان راهی است که زحمتکشان کوی آبان انتخاب کردند. باید از هر فرمتی برای اعتصاب و مقاومت در برابر رژیم استفاده کنیم، اعتصاب و تعطیل کار در کارخانه ها و ادارات و مدارس، رژیم را فلج می کند. هنگام بمباران به یاری مجروحان و قربانیان آن بنشینیم و مراسم تشییع و تدفین سوگواری عزیزانمان را به محنته اعتراض علیه جنگ رژیم بدل کنیم.

رژیم زیون تر از آن است که در برابر اعتراض یکبار چه و متحدهما تسلیم نشودا رژیم نتوانست هیچ کس را به جبهه ها بفرستد، اگر همه به خیا بانها بریزند، اگر اعتصابات بیشتر شود و کارهای رژیم تعطیل شود، دیگر رژیم نخواهد توانست جنگ را ادا می دهد. از رتشیان و سپاهیان مخالف جنگ حما بیست کنید، به هر شکلی که می توانید کمک کنید که خمینی نتواند به این حملات جنون آمیز و جنایتکارانه خود به خاک عراق ادا می دهد. به نفع صلح و آتش بس هر کجا که هست تبلیغ کنید. تمام مردم دنیا، تمام

دهقانان و همه زحمتکشان و نیروهای ملی و دموکراتیک کشور جدا نیست. رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها دشمن شما مردم زحمتکش و رنج دیده کرده ما احزاب و سازمانهای ترقیخواه و دموکراتیک کردستان است، بلکه دشمن خلقهای سراسر کشور، دشمن کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان ایران و کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک است. میهن بلا کشیده ما ست. به این دلیل برای تحقق خودمختاری کردستان و برای تحقق همه آرزوهای شما و دیگر خلقهای ایران بیبوندید هر چه بیشتر جنبش ملی خلق کرد. با جنبش انقلابی سراسری سرورتن بنیادی دارد.

خلق قهرمان کرد!

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، زنده را ستین راه رها می و ملی و اجتماعی خلقهای سراسر کشور است و به همین پایه در راه ملی خلق کرد رژیم ملی و تحقق خودمختاری کردستان در چارچوب ایران ملی آزاد و دموکراتیک مبارزه می کند. برای حقوق ملی خلقهای ساکن کشور، حق همه آنهاست. ما اعتقاد داریم که نمی توان مدافع رزمنده حقوق کارگران و زحمتکشان ایران بود، از برای تأمین حق خلقها در تعیین سرنوشتشان مبارزه نکرد.

با وجود رژیم منفرود خمینی، تحت هیچ شرایطی خلق کرد و دیگر خلقهای ایران به خواسته های ملی و دموکراتیک خود نخواهند رسید. راه دستیابی به مردم کردستان به حقوق ملی خویش نیز در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری ملی-دموکراتیک در ایران است. اتحاد و یکپارگی ملی-نیروهای ملی و مترقی خلق کرد و بیبوندید هر چه نزدیک تر تا آن با نیروهای انقلابی کشور، برای تحقق اهداف فوق که آمجا می مشترک همه ما ست، ضروریست حتی دارو از اهمیت جدی و عملی برخوردار است.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در دینوم مهرماه ۱۳۶۳ اعلام نمود: ... سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) لشکر کشی به کردستان و توطئه وحشیانه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم می کند و مردم سراسر ایران را به مبارزه علیه جنایات تهاکمه جمهوری اسلامی در کردستان و دفاع از خواسته های برحق خلق کرد فرا می خواند. سازمان ما پیگیرانه از مبارزه عادلانه مردم کردستان در راه کسب خودمختاری پشتیبانی می کند.

همچنین در برنامه پیشیندهی برای جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک که در بینا نیه مشترک اردیبهشت ماه کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب شده ایران انتشار

مبارزه علیه تحمیل قانون کار ارتجاعی را سازمان دهیم

برای کارگران، در این لایحه نمونه های دیگری از نقض حقوق صنفی کارگران می توان برشمرد، نظیر: مشروط کردن اجرای قرارداد های دسته جمعی تا به تایید وزارت کار، مسکوت گذاشتن سقف سنی بازنشستگی و نظایر آن، اما مهم ترین محور مبارزه کارگران علیه لایحه جدید قانون کار با بد افشای بی امان ماده ۱۵۰ (قانون شورا های اسلامی کار) بطور مشخص و لغو فصل ششم است. لایحه بطور کلی با شد متحرک کردن حملات علیه فصل ششم، بویژه حمله به ماده ۱۵۰ حمله به قلب لایحه جدید قانون کار است. مبارزه برای افشاء و لغو فصل ششم و به کرسی نشاندن در شکل صنفی مستقل کارگران، یعنی حق کارگران در ایجاد و انحلال شکل های صنفی بدون مداخله دولت و کارفرمایان و مدیران، و تاکید بر حق کارگران در تدوین، تصویب و اجرای اساسنامه شکل صنفی، موثرترین تعیین کننده ترین محور مبارزات صنفی - سیاسی کارگران در چارچوب جنبش قانون کار است. کارگران پیشرو باید ترا حلقه مرکزی در افشای کلیت لایحه جدید قانون کار بپردازند. سازماندهی هسته های صنفی کارگری و سوق دادن آن در راستای جهت، کامی می شود و مهم در انجام این وظیفه اساسی است. در افشای لایحه جدید قانون کار، علاوه بر فصل ششم، دو ریه مهم دیگر نیز باید در کنار آن، به مثابه سنگر های مقدم مبارزات افشاگرانه کارگران آگاه و پیشرو قرار گیرند؛ یکی، مبارزه بیگانه علیه بقایای ماده ۳۳ قانون کار گذشته در لایحه جدید، یعنی مبارزه برای جلوگیری از اخراج و تا مین حق امنیت شغلی و سازماندهی و تقویت صندوق بیکاری و حمایت از کارگران اخراجی و تاکید بر اینست که مدیریت و بازرگان دادگاه صالحه، نمی تواند نسبت به نیا بدیدون تا بیدتشکل کارگری حق اخراج کارگران را داشته باشد. محور مهم دیگر اینکه، حق اعتصاب باید در قانون کار تصریح شود هرگز نه مداخله از جانب ارگان های سرکوبگر حاکم در امور سندیکایی و شواهی ممنوع گردد. مبارزه عملی و مشخص برای سازماندهی صندوقها و کمیته های صنفی اعتبار بیشتری - محمل برای تا مین و تثبیت این حق است. خلاصه کنیم: ما لایحه جدید قانون کار را علیرغم تا مین و زتاب برخی از بدیهی ترین حقوق صنفی - رفاهی کارگران در این لایحه، بدلیل نقض اساسی ترین حقوق صنفی - سیاسی کارگران، قانونی ارتجاعی و ضد کارگری دانسته و مبارزه برای افشاء و جلوگیری از تصویب آنرا وظیفه همه نیروهای انقلابی، بویژه طبقه کارگری دانستیم. وظیفه کارگران پیشرو مبارزات است که برای پیشبرد این مبارزه، اعتدالی شیخ از پیش جنبش قانون کار، موثرتر کردن هر چه بیشتر مشارکت کارگران در تدوین یک قانون کار مترقی و افشای تمام عبارات و توطئه های ضد کارگری و ارتجاعی رژیم، مبارزات جاری توده کارگران را علیه این لایحه ارتجاعی، حول سه آماج مشخص زیر سازمان دهند:

- ۱- افشای لایحه جدید قانون کار و تا مین حق شکل صنفی مستقل کارگری در گروهی افشای فصل ششم این لایحه و مبارزه برای لغو آن است.
- ۲- مدیریت و هیچ مقام دیگری حق اخراج کارگران را بدون تاییدتشکل صنفی کارگران ندارند.
- ۳- حق اعتصاب کارگران، عدم مداخله ارگان های سرکوبگری در امور سندیکایی و شورایی و ممنوعیت انتقا جوی دولت از کارگران اعتصابی، حق مسلم و خواست عمومی کارگران است. اینهاست حلقه های مشخص مبارزه افشاگرانه کارگران و سینه های لایحه جدید قانون کار. هرگونه تاکید برای افشاء و جلوگیری از تصویب این لایحه، بدون سازماندهی مشخص مبارزات جاری کارگران حول تاکتیک های فوق، مبارزه ای کلی و مجرد خواهد بود.

کاران صنفی را (حالا هر نامی که می خواهد داشته باشد، سندیکا، شورا، اتحادیه و...) اساسا سه مویبه مجمع عمومی این صنف می کنند و امروزه بین نامه های وزارت کار، لذا افشاء و لغو ماده ۱۵۱ باید شد همچنان در دستور مبارزه کارگران باشد. و اما ماده ۱۵۰، ارتجاعی ترین و ضد کارگری ترین بخش این لایحه است. این ماده، به دلیل اهمیت و براهین، بعنوان ماده واحد در سه ماده ۶۳ تحت عنوان "قانون شورا های اسلامی کار" به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ارتجاعی نیز رسید. ماده ۱۵۰ در لایحه جدید قانون کار، به سه مراتب شوم تر و منحوس تر از ماده ۳۳ قانون کار، زمان شاه است. ماده ۳۳ تنها به اخراج و سلب امنیت شغلی کارگران خلاصه می شد، اما ماده ۱۵۰، قلب قانون کار، یعنی شکل کارگری را نشا نشسته گرفته و می خواهد آنرا به ارکانی بی خایت و بسوگ بدل کند. مادامه ۱۵۰ نیز به ۱۵ نثریه کار، به دنباله تصویب و انتشار این قانون ارتجاعی و ضد کارگری، مفاد آنرا مشروحا مورد نقدا و افشاء قرار دادیم و تا کید کردیم که حتی اگر همه فصول دیگر قانون کار را از اینده نیز مرقرون به خواستهای کارگران باشند، تنها همین قانون کذایی شورا ها، برای ارتجاعی دانستن کلیت آن قانون کافیست.

البته در لایحه جدید قانون کار، برخی از بدیهی ترین حقوق صنفی و رفاهی کارگران که در چند ساله اخیر با رها و پاره ها مورد مظالم جدی کارگران و موضوع مبارزه آنان بوده، نیز به زتاب یافته است. که سه مهمترین آنها عبارتند از: تعلق حق کارگران قانون کار و رشا ورزی با قانون کار، تعیین ۱۵ سال بعنوان حد اقل سن کار، تعطیلی رسمی روز اول ماه مه، تعیین ۳ ماه مرخصی (بجای ۷۰ روز) بعنوان مرخصی دوران بارداری و زایمان، تعیین ۳۰ روز مرخصی سالیانه برای کارگران معدن و مشاغل سخت.

عقب نشینی رژیم خمینی از پیش نویس قسرون وسطایی شوکی تا لایحه جدید و پذیرش برخی از بدیهی ترین حقوق صنفی - رفاهی کارگران نظیر نمونه های فوق، تنها و تنها محصول مبارزات پیگیرانه طبقه کارگراست. و اما علاوه بر ماده ۱۵۰، همچنانکه گفتیم، ما در مهم دیگر از نقض جدی حقوق صنفی - سیاسی کارگران نیز در این لایحه مشهود است، که مقررات مربوط به اخراج و همچنین مسکوت گذاشتن حق اعتصاب کارگران، از آن جمله اند. سرحدی زاده، مهمترین تفاوت لایحه اش را با پیش نویس های قبلی منجمله قانون کار زمان شاه، در مقررات اخراج می داند. در این لایحه صدور رأی اخراج که در پیش نویس های قبلی به در ملاطبت مدیریت بود، به "بده" یا "دگاه ما لعه" است. البته دادگاهی که نمایندگان کارگران، نقشی در صدور احکام آن ندارند. تفاوت لایحه سرحدی زاده با قانون کار گذشته در مورد اخراج تنها در این است که ماده ۳۳ تعدیل شده است اما آنچه خواست کارگران بوده و هست لنوماده ۳۳ و تا مین امنیت شغلی بوده است. تعدیل آن، شعار کارگران و مشخصا این بوده و هست که مدیریت و یا هر مقام دیگری، در صورت تاییدتشکل کارگری مجا زندکارگری را اخراج کنند. در لایحه سرحدی زاده، کوچکترین اشاره ای به نقض شکل کارگری در دفاع از حقوق کارگران و جلوگیری از اخراج نشده است. همچنین در این لایحه سختی از حق اعتصاب، در میان نیست. حق اعتصاب، منع مداخله ارگان های سرکوبگر و پلیس در امور سندیکایی و ممنوعیت انتقا جوی دولت از کارگران اعتصابی، حق مشروع و مسلم کارگران است. مسکوت گذاشتن این حق، نیز علتش روشن است. رژیم جمهوری اسلامی، حتی از کلمه اعتصاب هم هراس دارد چه رسد به پذیرش حق آن

لایحه جدید قانون کار سرحدی زاده، پس از آرایه به کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، انتشار یافت. پس از تکست خفت با رئیس نویس شوکی، رژیم جمهوری اسلامی با تشکیل یک کمیسیون ۸ نفره از وزیران، اقدام به "حک و اصلاح" آن نمود و نتیجه پیش نویس شد که سرحدی زاده در او اواخر سال ۶۲ تنظیم کرد. اما این پیش نویس ارتجاعی نیز در اثر مقاومت کارگران ارشد، بولی رژیم پس از "حک و اصلاح" مجدد، در اردیبهشت ۶۴، لایحه حاضر را تنظیم کرد و به مجلس ارائه داد. لایحه "جدید" قانون کار رژیم بطور کلی از دو لحاظ قابل بررسی است: نخست از نظر مدت تدوین و آرایه اش، دوم از نظر مضمون و محتوا. ۱- همچنانکه در مقالات گذشته متذکر شدیم، حکم مرتجع و کارگرسنیز جمهوری اسلامی، با در نظر گرفتن اهمیت محور شکل های کارگری در قانون کار روبا توجه به تجربه شکست های بی درپی شان در تحمیل یک قانون کار ارتجاعی، این بار، قبل از آنکه سبک باره لایحه جدید قانون کار خود را آرایه دهند، کام به کام پیش رفتند و دست قاتل شورا ها را بنحوی توطئه گرانه و بی سروصدا به تصویب رساندند و سپس اقدام به آرایه کل لایحه قانون کار کردند.

۲- لایحه "جدید" از نظر محتوای کلی، همان پیش نویس بهمن ماه ۶۲ سرحدی زاده است، با مختصر تا و تهایی از نظر برخی حقوق صنفی رفاهی کارگران. این لایحه از نظر مضمون کلی، سه حق اساسی از حقوق صنفی کارگران را نقض کرده است: بهمین دلیل، این لایحه در کلیت خود، ارتجاعی و ضد کارگرسنت. مهمترین شاخص و سیاه ترین نقطه آن، نقض حق شکل کارگران است (فصل ششم در مجموع و ماده ۱۵۰ بطور مشخص). فصل ششم، شامل ۳ ماده است: ۱۴۹ (درباره انجمن های اسلامی)، ۱۵۰ (درباره شورا های کارگری)، ۱۵۱ (در مورد انجمن های صنفی). طرح ماده ۱۴۹ در قانون کار، اساسا موضوعیت ندارد چون انجمن های اسلامی، شکل صنفی نیستند بلکه ارگان های حزبی اند. در قانون کار هیچ کوشی سابقه ندارد، ارگان های حزبی (ایدئولوژیست - سیاسی) یک قشر یا طبقه خاص را بعنوان تشکل صنفی و شوده ای و یا به مثابه جزئی از حقوق کار، بگنجانند. هدف حکام جمهوری اسلامی، از گنجانیدن این ماده، چیزی جز مشروعیت بخشیدن به این ارگان های جاسوسی و تفرقه افکنی در میان کارگران نیست.

ماده ۱۵۱ نیز که ظاهرا به اصل ۲۶ قانون اساسی استناد کرده است "برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران و صاحب کاران" تشکیل انجمن های صنفی را مطرح نموده و تاکید کرده است که وزارت کار، در مورد چگونگی تشکیل این انجمن ها و تعیین حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد آنها، قانون تدوین خواهد کرد. این ماده، تجلی بارزیت از ترفندهای سالیان گذشته رژیم برای با یمال کردن حق شکل صنفی کارگران. تدوین کنندگان توطئه گروریا کار لایحه جدید، از یک طرف با تصویب قانون شورا های اسلامی کار (موضوع ماده ۱۵۰) و تقوی نقش انجمن های صنفی (آنهم به صورتی که ملا متلک شده) به شورا های اسلامی کار، عملا علت وجودی انجمن صنفی را منتفی کرده اند. لذا ظرف دیگر برای تظا هربه پایبندی به قانون اساسی رژیم، تا می هم از ماده ۲۶ و انجمن صنفی برده اند تا عریضه خالی نباشد، حتی اگر ماده ۱۵۱ را جدی هم بگیریم، با نقض فرضی که در این ماده شده است، اساسا قابل چشم پوشی نیست. زیرا انجمن های صنفی موضوع اصل ۲۶، نیازی به تدوین قانون از جانب وزارت کار و دولت ندارند. ضوابط

جمهوری اسلامی،

در کنار آمریکا، علیه افغانستان

به میزانی که انقلاب افغانستان قوامی یا بدو دولت انقلابی آن حقانیت انقلاب را به توده ها نشان می دهد، حمایت توده های زحمتکش افغانی از انقلاب و حکومت مردمی افغانستان، بیش از پیش گسترش می یابد. به همین دلیل امروز تا حدی که توطئه های امپریالیسم جهانی به سرگردگی صبریا لیم آمریکا و حکومت های ارتجاعی منطقه بر علیه افغانستان انقلابی شدت هر چه بیشتر می یابد.

سران جمهوری اسلامی نیز که از همان آغاز هما هنگ با امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه دشمنی آشکار خود را با انقلاب افغانستان اعلام داشته اند، اکنون نیز از قله عقب نما نده و به حمایت های همه جا به خود از ضد انقلابیون افغانی، به اعزام خرابکار به داخل افغانستان و دخالت آشکار در امور داخلی آن کشور بدهتای زده داده اند.

ایجاد یگانگی های متعدد نظامی در شهرهای مرزی جهت آموزش و تسلیم فدائیان افغانی، دادن کمکهای مالی فراوان و مکانات وسیع تبلیغاتی از جمله ایستگاه رادیویی به آنها، از جمله این اقدامات ما چرا جویا نه است.

در پی این سیاست منتظری در پیدا ربا عده ای از روحانیون فدائیان و سران اندک های تشکلات خورده افغانی که جهت دریافت کمکهای بیشتر از حکام خائن جمهوری اسلامی به پیدایش رفتند، بودند، ضمن تاکید مجدد بر حمایت های جمهوری اسلامی از فدائیان افغانی، آنان را ربه اتحاد عمل در برابر حکومت افغانستان دعوت کرد. وی خطاب به آنان گفت "گروه های مختلف و پراکنده که اکنون وجود دارند، باید متحد شوند" جوهر اساسی رهنمود منتظری مرینتر از یک میزای اسلامی، همان رهنمودی است که ریگان بارها تکرار کرده و سیا و ارتجاع منطقه و ضد انقلابیون افغانی آن را تکرار کرده اند. همین بندی پیش بود که "ظا هربا" نیز با اسرا خوشحالی از گرد هم آمدن احتمالی عده ای از گروه های

ضدا نقلا بی افغانی، آنان را به اتحاد هر چه بیشتر دعوت کرد. دخالت های ما چرا جویا نه و تاج و زکرا نه جمهوری اسلامی در مورد داخلی افغانستان و سیاست های دشمنانه آن با رها مورد اعتراض جدی حکومت انقلابی افغانستان قرار گرفته است. از جمله چندی پیش ببرک کارمل رئیس شورای انقلاب جمهوری دگر تیک افغانستان اعلام داشت که حکومت جمهوری اسلامی با اعزام خرابکار به داخل خاک افغانستان بر دخالت های خود در امور داخلی کشور افزوده است.

مردم میهن ما، پیوسته به اشکال مختلف بر علیه ادامه این سیاست برخاسته و آنرا جنگ افزوزانه و ما چرا جویا نه دانسته و محکوم کرده اند. نظا هرات چندی پیش مردم دتهران، مشهد و سایر شهرهای مرزی بر علیه حضور تده های ضدا نقلا بی افغانی در ایران که به دزدی، جنایت، قاچاق مواد مخدر متولفند، موبدان امراست. توده های زحمتکش میهن ما، امروز بیش از پیش خواهان پایان دادن به اینگونه مفسده جویب های جمهوری اسلامی علیه ملت دولت انقلابی افغانستان بوده و اخراج با ندهای ضدا نقلا بی افغانی از ایران را خواستارند.

ایران، میدان رزم خلق علیه جنگ، برای صلح

"کارگران علیه جنگ"

کارگران که از آسیای استهای جنگ طلبانه رژیم حاکم به تنگ آمده اند، بعنوان اعتراض از هژمونیک کمک به جبهه ها امتناع می کنند. اخیرا کارکنان کارخانه های تراسوریا و ماشین سازی تبریز مخالفت خود را با کمیک روز حقوقان برای کمیک به جبهه ها اعلام داشتند. کارگران موفق شدند حقوق کرده را از پس گرفته و از وزیران به حساب جبهه ها جلوگیری کنند.

در کارخانه موتوژن تبریز نیز کارگران جمع آوری اجباری کمک برای جبهه ها اعتراض می نمودند.

اعتراض زنان تبریز به جنگ

تبریز - پس از بمباران وحشیانه محله تکلیفی تبریز زنان محله با تجمع در محل بمباران شروع به دادن فحش و ناسزا به مسببین جنگ و خمینی کردند. آنان شاعری دادند: "نه گریلا بستیروخ - نه بیله بلا بستیروخ" (نه گریلا می خواهم - نه ایمن بلامی خواهم). ما مورین سرکوبگر رژیم با وجود کنترل محل بمباران نتوانستند مانع اعتراض زنان شوند. زنان مبارز می گفتند: "لاکه مردان و جوانان معترض را دستگیر و زندانی می کنند ما وظیفه داریم نظا هرات و اعتراض بکنیم، تا بلکه به این جنگ خانمانسوز پایان داده شود."

وحشت رژیم از اعتراض مردم به جنگ

نظا هرات و اعتراضات شدید مردم و خانسوادها شهدای بمبارانهای اخیر بر علیه اقدام جنگجویان بمبارانهای مسئولین حکومتی را مجبور به عقب نشینی نمود. بدین مناسبت اخیرا زوی ارگانهای سرکوبگر رژیم بخشناهای صادر شده و در آن به مقامات مسئولین انتظامی تاکید گردیده که متدا مدت روز بعد از بمباران نباید خانواده شهدای بمبارانها را باخراطا اعتراض و مخالفت و فحاشی به مسئولان دستگیر نمایند!

مردم همدان و سنجع علیه جنگ

بمبارانهای اخیر باعث تشدید اعتراضات مردم همدان گردید. مردم محلات گوناگون این شهر گروه گروه جمع شده شاعری دادند: "ای صدام دیوانه - جماران در شیرانه" در سنجع نیز مردم معترض به جنگ در گروه های علیه جنگ و رژیم شعیار می دادند. مسئولین خائن جمهوری اسلامی نیز بعنوان تلافی آب آتش میدنی مناطقی از شهر را قطع نمودند.

اعتراض جوانان جوادیه به جنگ

پس از بمبارانهای اخیر نقاط مختلف شهر تهران عده ای از جوانان و مردم محله جوادیه در جنوب شهر تهران از محلات راه افتاده و علیه رژیم و جنگ شعار می دادند. آنها می گفتند: "ای صدام دیوانه - جماران توی شیرانه". این شعار طرز آلوده آنها را استقبال مردم مواجه گردید.

اعتراض مردم تبریز علیه جنگ

پس از بمبارانهای وحشیانه رژیم صدام، مردم مبارز محلات گوناگون شهر تبریز دست به نظا هرات موضعی زده و علیه جنگ و رژیم اعتراض نمودند. مردم خشمگین با دادن شعارهایی، جنگ طلبی سران خائن جمهوری اسلامی و جنایات رژیم صدام را محکوم کردند. سپاه و کمیته تبریز در چندین نقطه با مردم درگیر شدند و تعدادی را مجبور کردند.

تسلیغات رژیم دروغ و ونیرنگ

رژیم جنگ طلب و ضد مردمی حاکم جهت تبلیغ اقدامه جنگ و پیشبرد سیاستهای خاخانه خود به جبهه ها و ونیرنگ های گوناگونی متوسل می شود. از جمله پس از بمباران خیابان ظفر در تهران ما موران رژیم با چندا تویوس برای از فراس زمان یافته از قبل، به آنجا آمده و شروع به دادن شعارهایی به نفع اقدامه جنگ کردند و در این

هنگام گروه دیگری از صحنه های ساختگی فیلم برداری کرده تا آنها را با آب و تاب در تلویزیون نمایش دهند. رژیم این سیاستها را در ادراغ بل وارد بکار برده است. نمونهای دیگر از این تبلیغات دروغ و عوامفریبانه در محله دولت آباد درخ داد. ما موران حکومتی تعدادی از اهالی محل بمباران شده را جهت معا حبه تلویزیونی آماده نموده و آنان را مجبور کردند جملات دلخواه رژیم را حفظ کنند و بهمسان صورت نقل نمایند. این شرکده عوامفریبانه رژیم با افشگری یکی از اهالی محل نقش بر آب شد.

ادامه جنگ و شیوع بیماریهای خطرناک

با زگشت سربازان و وپا سدا ران از جبهه ها بسدون گذراندن دوره قرنطینه باعث شیوع بیماری سل در بین کودکان گردیده است. بهنچین خاطر از طرف وزارت بهداشت توصیه شده است که کلیه کودکان زیر ۶ سال واکسینه شوند، اما واکسن نایاب و کم پیدا است. در جلوبیمارستانها صف های طویل جهت تزریق واکسن بوجود آمده و نزدیکترین زمان ونوبت برای تزریق واکسن یک ماه می باشد.

فدائیان خلق ایما نگارانه کم و کیف فجا بیع جنگ و نبرد مردم علیه جنگ و رژیم را به اطلاع مردم می رسانند و دعوت سازان خود را برای بسیج همگانی و توده ای علیه جنگ و رژیم اعلام می دارند. در زیر نمونه هایی از میان گزارشهای فعالین سازمان در باره فجا بیع بمبارانهای جدید و افکندش و اعتراض مردم علیه جنگ و رژیم درج می گردد.

آتشبار زهم صدای لرزش شدیدی تهران را تکان داد. همه فهمیدند که با ز محلی ویران شده است. با ز عده ای از هموطنان از زیر پر و جان و کودک خردسال قربانی جنگ طلبی حاکم جمهوری اسلامی گشته اند. از صدای انفجار چنین بنظرمی رسید که چهار بمب بمسور مردم بی دفاع تهران ریخته اند. تصمیم گرفتیم هر طوره که شده خود را به محل حادثه برسانیم. شب نگاه کردم، تاریک و ظلمانی مثل قلب جنگ طلبیان. با مشکلات زیاد سوار یک ماشین عبوری شدم و به طرف جنوب شهر رفتم، راننده که کارمند هلال اخبر می گفت: به وسیله ای سیم اطلاع داده اند که دولت آباد یک محله دیگر از زده اند، پس از مدتی سکوت به محل حادثه نزدیک شدیم. در مدخل شهر که دولت آباد مردم جمع شده بودند و ماشینهای زیادی ایستاده بود. مردم منطقه گروه گروه به طرف محل حادثه روان بودند. همه عصبانی و ناراحت بنظرمی رسیدند، ما موران رژیم در نزدیکی محل حادثه از ترس حرکات اعتراضی مردم خشمگین، تمام راههای ورودی به شهر را بسته بودند. جمعیت کم ز یاد می شد صدای آژیر سر آمبولانسها یک لحظه قطع نمی شد، پیاده خودم را به محل حادثه رساندم، تلی آژیر و آجر و سیمان و لوازم خانیه به چشم می خورد، بعد از آنکه زمانی متوجه شدم که نیمی از یک ساختمان طبقه جمعا ۲۰ واحد با رتمان داشت بکلی ویران شده است.

خشم و تاسوس را سر وجود هر بیننده ای را فراموش می گرفت. تعدادی از هموطنان بی گناه ما، زنان، کودکان، سالخوردهگان و جوانان، که شب خستنا و تلاش و کار روزانه به خانه پناه برده بودند، تا لحظاتی دور از دغدغه هزاران مشکل آرام گیرند، یک باره و در یک لحظه نابود شدند و از آنها هیچ اثر و خبری برجای نماند. مردمی که به محل آمده اند ساکت و آرام با چشمانی اشک آلود و بیخ در گلوبهم می نگرند.

آن طرف تر قسمتهایی از ساختمان آپارتمان مجاور فروریخته است، قدری دورتر ماشینهایی که به آهن پاره مبدل شده اند، دیده می شوند. ابراز تنفر همه حاضرین از جنگ و اقدامه دهندگان جنگ علفی می شود. عده ای مات و مبهوت بخسود می بیچند، جوانی با شوخی لطمی می گوید: "گولسه" یا دفترچه بسیج، بمب و راکت یا قرعه کشی، بیستایی که از دستستان نرود" پیرمردی که با عصبانیت روی زمین تف می انداخت، گفت: "خمینی می خواهد همه را به کشتن بدهد"

راهساختن ویران شدم، همه چیز بی مری

می دهد. مرگ کودکان، دختران، پسران، زنان و مردان، ناگهان متوجه مردی شدم که بتازگی از سرکار برگشته و با گریه می گوید: "وای خدای من خانه ام در طبقه چهارم بود، زخم کجاست؟ بچه ام کجاست؟" با دیده چهره خستودرمانده او گریه های جگرسوزش جمعیت به لوله می افتد. اعتراض به جنگ گسترش می یابد، در همین موقع کمیته ها که تقریبا دوروبر جمعیت را محاصره کرده اند، از ترس حرکت و اعتراض مردم وقیحا نه از آنها می خواهند که شعار جنگ، تا کاپروزی را سر دهند. همه با خشم و نفرت و تمسخر به آنها نگاه می کنند کمیته هایی که هوا را پس می بینند، سعی می کنند جمعیت را که حال دیگر جدوجنده را زنگ می شنید، برانگیزند. زیرا از شعله و روشن خشم آنها هراسان شده اند. یک تقریبا صدای بلند می گوید: "خودشان در خانه های امن نشسته اند و دستور جنگ تا دفع فتنه از عالم را می دهند، ای بابا اینها که از در مردم خیردار نیستند" جوانی که خانه اش ویران شده بود، ژوب جمعیت کرده و با خشم گفت: "چرا سران حکومت که عامل این خانه خرابیها هستند، جنگ را تمام نمی کنند؟" بقال محله کنه قبلا از طرفداران پروپا قرص رژیم و همجنسین جنگ بود، و برادرش نیز در جبهه کشته شده است، می گفت: "مردم می بایست از روز اول بر علیه جنگ اقدام می کردند، تا امثال برادر من قربانی این فاجعه نشوند. من خودم اگر از اول می دانستم جنگ اینقدر کشیف است، هرگز به برادرم اجسازه نمی دادم، به سیخ برده و خودش را قربانی هیچ بیوج کند" جمعیت که یکبار ره خشم و اعتراض بسود توسط پاسداران متفرق شد، مردم همگی جنگ و رژیم را محکوم می کردند و بطور علفی لب به اعتراض می گشودند.

روز بعد از بمباران خزانه به آنجا رفتم، این روز صاف بودی روز ۱۲ فروردین جمعیت حاضر در محل بمباران شده در خزانه خیلی بیشتر از جمعیت حاضر در دانشگاه تهران جهت برگزاری مراسم روز جمهوری اسلامی بود. انبوه جمعیت از نقسایط مختلف شهر آمده بودند تا ضمن همدردی با بازماندگان هموطنان بمباران شده، از نزدیک با صحنه های ویران شده و آثار مخرب جنگ آشنا شوند. هیچکس را ندیدیم که سیاست جنایتکارانه رژیم را تایید کند. همه خواهان پایان یافتن فوری جنگ بودند و با خشم و نفرت از بدبختیها و مصائبی که جنگ برایشان فراهم کرده بود، صحبت می کردند، هرکس به فراخ روحی از حد چیز می گفت و اعتراض می کرد، پیرو صردی دست فرزند خردسالش را گرفت و با طنز گفت: "بیا با جان بریم، امشب شام بمسب داریم"

ما موران رژیم در این گوشه و آن گوشه مذبحخانه تلاش می نمودند معترضین را شناسایی و دستگیر کنند. آنها از وحشت اعتراض مردم علیه جنگ و رژیم معمولاتی در ارتاز مادگران، خود را به محل بمباران شده می رسانند. معا حبه گرواردیس و تلویزیون خودش را به زنی که فرزندش را شتر بمباران کشته شده بود رساند، تا با وی معا حبه کند و از او تاپیدی برسیاستهای جنگ طلبانه رژیم بگیرد و بعد آب و تاب نمایش دهد، زن داغدار از شدت خشم ضبط صوت معا حبه گروا گرفته و بر زمین کوبید و با حالت گریان شروع به شاعران علیه رژیم کرد. یک معلمبا عصبانیت می گوید: "جنگ با بد تمام شود قبل از آنکه مردم تمام شوند" یک کارگر خیاط اضافه می کند: "کی این جنگ لعنتی تمام می شود، کاش حداقل بچه هایمان در این وضع مثل ما زندگی نکنند". راننده اداره آب و برق که از شامشای ویرانهای خزانه به خشم آمده، می گوید: همه اش تقصیر این آخوندهای... است که نمی خواهند حرفی غیر حرفهای خودشان بشنوند". کارگری اضافه می کند: رژیم جنگ را دوست دارد و نمی گذارد تمام شود، چون اگر تمام شود، خودشان هم رفتنی هستند. یک کارگر شرکت واحد حالی که از دیدن فجا بیع جنگ خیلی متاثر شده بود، با چشمانی اشک آلود می گوید: جنگ با بد فوراً تمام شود، مردم دارند بیخودی کشته می شوند که چه که عده ای بتوانند هنوز مردم سوا شوند". اظهار رفا بیی و بحث و صحبت، گاه شعار و اعتراض جمعی آمده دارد، - بمبارانهای وحشیانه اکثر شهرهای ایران و کشتار مردم. بی گناه توسط بمبها و موشکهای صدام

از سربازان فراری و از ارتشیان و سپاهیان مخالف جنگ حمایت کنید
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

راه پایان دادن به جنگ گسترش اعتصابات و نظا هرات شماست
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

جنایتکار رومجی از نگرانی وخشم در میان مردم میهنان ما بوجود آورده است مردم می گویند: امکا نشانت محدود دفاع هوایی برای حفظ جان من از خائن جمهوری اسلامی بکار گرفته شده است و ما بدون پنا هگا و بدون دفاع رادار تیرس راکتها و بمبهای هوا بیما های عراقی رها شده ایم. مردم معتقدند در بسیاری از محلات تهران از جمله در میدان آزادی سی متر می، تارک ما، افسریه، خاک سفید، دولت آباد، می زاده حسن، خزانه و... به خیا پناهها و کوچها پناه برده اند، آنها می گویند "می می گویند جنگ، جنگ تا پیروزی". خودشان دهها پناه هگا هدا رند هیچ به فکر مردم نیستند، آخرزن و بیجه مردم چه گنا می کرده اند؟

همیشه بعد از زمین لرزه و یا همزمان با پیدا شدن هوا بیما های عراقی در آسمان شهرها رادار دیو آژیه می کشد و اعلام خطر می کند و از مردم می خواهد تا بی پناه هگا هها بروند، مردم نیز با مسخره می گویند: "به ما می گویند پناه هگا هها برویم، ما کجا پناه هگا هها برویم، مدها ایم بزوری پشت با م، تا همه بی بینند که ما پناه هگا هی در این مملکت ندا ریم"

هنگام بمباران هوا بی تهران در یکی از کچه های تارک، زمینها صدای بلند فریاد می زندند "مسرک بر خمینی" "ما ملحمی خا هیم" در محله خاک سفید زنی با صدای بلند که خاکی از خشم و کینه او به جنگ افروزان بود، فریاد می زد "ای قاتل قاتل اربانه از جان ما چه می خواهی" در زینبا شهر قتی بر قها خاوش شد، دسته های ای از مردم به کوچها ریخته و علیه رژیم موشکها را دادند، در دولت آباد قتی شخصی شعار داد "موشک، جواب موشک"، مردم به او حمله کردند و او را مغرور ساختند. مردم می دفاع شهرهای بمباران شده از ترس جانانشان مجبور شده اند، در کوچها و پنا هگا ها و باغات اطراف شب زنده داری کنند هر کس وسیله ای دارد از شهر خارج شده و به بیابانهای اطراف شهر پناه می برد.

در با ختران نمی از مردم شهر را تخلیه کرده اند طاق بستان که در نزدیکی با ختران قرار دارد هقی هزار نفر را خود جای داده است. مردم به هر طریق خود را به دهات اطراف می رسانند و به آنجا پناه می گیرند، بسیاری از خانواده ها فقط با چند پتو در اطراف شهر کشیده اند و نامی نگذاشته اند. مردم درمانده و خسته از جنگ تهران شها بیه کرج و او مان و یا روستا ها و مناطق اطراف شهر پناه می برند. رژیم جنایتکار صدام نیز اخیرا یمن

مناطق راه می نصب نگذاشت و بمباران کرد. چندی پیش عده ای از مردم که به او شان پناه برده بودند تا شب را صبح کنند، به زور به یکی از با غده های واقع در یک منطقه نظامی هجوم بردند و در آنجا بساط خویش را پهن کردند و در مقابل اعتراض ما و یورین با آنها درگیر شدند، بعضی از مردم که ما متعین دارند شها به نواحی اطراف تهران می روند و بساط در جاده های اطراف شهر در ماشین می خوابند، زحمت کشان جنوب شهر مجبورند در خانه های محقر خود بمانند و منتظر حوادث باشند.

رژیم هر روز نسبت به روزهای قبل در زمینه، بسیج جوانان برای اعزام به جبهه ها نتوان تر می شود، از اینرو آشکارا در اکثر شهرها جوانان را از معابر و اماکن عمومی شکار کرده و به زور سر نیزه روانه جبهه ها می کند. اعتراضات خانواده ها در زمینه اعزام فرزندان شان به جبهه ها هر روز در وسع تری بخود می گیرد. در مسجد سیدان خاخوا ده ها به شدت نسبت به اعزام فرزندان شان به جبهه ها اعتراض شدید نموده با بساط را ن گلایه ترندند و فرزندان خود را از تویوس پناه داده کردند، علاوه بر این فرار از جبهه ها ایضا دگسترده تری پیدا کرده است. سربازان و نظامیان فراری، علت فرار از جبهه ها را بیپوهه بودن جنگ و تا کتیک ههای نا بخردانه و ماجراجویانه فرمادندان میداندند، پس از شکست متفحصانه رژیم در عملیات "بدر" میزان فرار از جبهه ها چندین برابر شد. طبق گفته یک پاسدار وقتي ایران به لشکر (۳۰ هزار نفر) از رودخانه دجله عبور داد، عراق با یک حمله گانازیری اول تمام پناها را متفرج کرد، سپس تا نکها وارد عمل شدند، به این ترتیب دست به قتل عام سربازان و نیروهای ایرانی زدند، بطوریکه از لشکر ۲۱ حمله فقط ۲۰۰ نفر تروا ستند از جمله جان سالم به در نبردند. بعد از این شکست عده ای از فرما ندهان پیش خمینی رفته و جریان شکست را به اطلاع وی می رسانند، خمینی برای توجیه این شکست متفحصانه بودکینه سخنرانی می معروضت و اگر دو گفت "شکست و پیروزیان یکی است" در اعلام شکست و پیروزی هر دو اقدامی اسلامی است و شکست معنی ندارد، ستاد تخلیه فرودگاه از از ده ها مردمی که برای تحویل گرفتن جنازه عزیزان شان مراجعه کرده بودند، پر بود. در همین او از خرق در خیابان رسالت تهران یک جا ۱۵۰ نفر را شلیخ جنازه کردند، در شیراز تا و منا طق

اطراف آن ۲۲۰ جنازه شلیخ شد... اینها جدا از هزاران جنازه ای است که در با تلاقیهای اطراف دجله باقی ماندند. به دنبال یورش و خیانته هوا بیما های رژیم صدام به مناطق مسکونی شهرهای کشورمان، مردم می دفاع محروم که قربانی جنگ طلبی ههای حکام جنایتکار جمهوری اسلامی شده اند، خود را ساقا قدم به ایجا دینا هگا هها برای حفظ جان خانواده شان نموده اند. مردم محروم جنوب شهر تهران که بدون کوچکترین امنیتیه هوا ره آمج بهمنها و راکتها ی هوا بیما های عراقی هستند در این زمینه پیش قدم شدند و با یاری هم و با دست خالی خفیه های ایجا دشمنان، زحمت کشان جنوب شهر تهران که وسعت دشمنانی آنها را ندانند تا چند روزی کارشان را تعطیل کنند و به اتفاق زن فرزندان به اطراف شهر پناه ببرند، اجبارا در مواضع محله هوایی به این با طراح پناه هگا هها (که به هیچ وجه امنیت آنها را تضمین نمی کند) پناه می برند.

مردم می گویند، رژیم جنگ افروز، بدون کوچکترین احساس مسئولیت نسبت به جان و مال همچنان بر طبل جنگ می کوبد و از مردم قربانی می گیرد. هیچ مقام وارگان مسئولی نیست که فکری به حال ما بکند. سران رژیم که وقیحانه شکار "جنگ جنگ تا پیروزی" سر می دهند، خود در جای امن خیزه اند و بیبیمبها خانه و کاشانه وزن و فرزند مردم بی گناه و بی دفاع را نیست و بنا بود می کند. مردم از روی نا چاری دست بکار ساختن پناه هگا هها و هیچک از ارگانهای حکومتی و ادارات کمکی به آنها نکرده و نمی کنند، بیفوله ها بی که مردم به ناچار به آنها پناه می برند، وضع اسفناکی دارد در صورت اصابت بمب به کوچهای هم میهنان بی گناه و بی پناه ما تبدیل خواهد شد. عده ای از مردم محلات جنوب شهر تهران که خود را ایجا دین پناه هگا هها شرکت داشتند در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (۲۴ فروردین ۱۳۶۴) چنین می گویند: "برای خاک برداری از محل آزابتهای تریان امکان است و سوجدستیم و حتی با دست خالی این کار را کردیم، مقداری آهن از قبل دادیم و برای جوش دادن آن از دوستمان که جوشگاه است کمک گرفتیم، حدود ۲۰ کامیون خاک بیرون آوردیم... بیوشانند سقف پناه هگا هها به دنبال وسیله مناسبی می کشیدیم که متوجه ا تاقک فلزی یک کامیون که از مدت ها پیش در گوشه ای بلا استفاده افتاده بود، شدیم..."

بسیخ خلق در... بقیه از صفحه اول آشکار و در رویی با رژیم سرق می دهد. ادا ما جنگ و ادا ما بحران همه جا نبه رژیم و واکنش رژیم نبه مردم در برابر سرکوب اعتراضات توده ای و غیره همه عواملی هستند برای آنکه مبارزه توده ای گسترش و ارتقا بیابد.

ما باید از شرایط موجود استفاده کنیم تا هم نیروی کافی برای شکستن مقاومت رژیم بسیخ شود و هم نیروهای انقلابی رهبری این نیرو در اردست گیرند.

هنوز با ید برای تدارک این نیرو و شب و روز تلاش کرد، هنوز هم بسیاری از حتمت کشانی که با رژیم حاکم مخالفند سرنگونی آنرا از روی می کنند، ولی برای عملی کردن این آرزو و اردکار را از رژیم نشده اند بسیارند. بیضا هنگ انقلابی باید بکوشد تا یمن بسیار مبارزه خود را ارتقا دهد و رژیم را آماج مبارزه خود قرار دهد. تنها با آتاک هوری و سازماندهی پیگیر و رژیم مردم ارتقا یمن در جریان مبارزات تجاری آنان است که چنین ارتقایی صورت می گیرد و نیروی ضروری بسیخ می شود.

امروز علاوه بر نیروهای انقلابی که خواهان سرنگونی رژیم هستند، نیروهای ارتقا ی و نیسیز نیروهای سازشکار و غیر انقلابی نیز برای قسرار گرفتن در اس اعتراض و مبارزه توده ها، و منحرف کردن آن در مسیر اهداف و برتانه های خود تلاش می کنند. خود بخودی بودن جنبش توده ای و سازمان نایا فتگی آن، علی رغم گستردگی و تفتی کسه در تضعیف رژیم و تشدید تفتا ده ای حکومت دارد، در شرایط درجینی سازمانهای انقلابی می تواند مورد بهره برداری جریانه ای ارتقا یمن قرار گیرد. اکنون سلطنت طلبان با تمام نیرو در این راه تلاش می کنند و بدین منظور فعالیت خود را در همه جهات تشدید کرده اند. آنها از مگانا ت درون رژیم و اماکانا گسترده ارتقا ی منطقه و امپریالیسم بهره می گیرند. آنها از تشنگا رهیابی سابقه هیا ت حاکم بهره می برند تا چهره فدا انقلابی و ما هیت ضد مردمی خود را بیوشا نند و مردم را فریب دهند. آنها به تویخود خوبی هستند که نیا پنا دیده گرفته شوند، آنها سرنگونی رژیم را می خواهند و این منظور برای جلب حمایت توده ها و تدارک نیسرو تلاش می کنند. "نهفت آزادی" نیز فعالیت خود را افزایش داده است، این جریان خواستار براندازی قدرت سیاسی نیست.

برنامه های نیرو و حفظ سرمایه داری و وابسته موجود است و خط منی آن انجام تغییراتی در حکومت به سود خود با مطلع "استحاله رژیم" با روشهای قانونی است. این جریان "از جنبش بیشتر از

ارتقا ی حاکم می ترسد و تلاش دارد از طریق مخالفت با ادا ما جنگ و همچنین تلاش با لغت با روش استبدادی خمینی رهبری مبارزه توده ای و اردست گیر دوسمت مبارزه آنها را که برانداختن تمام و کمال قدرت حاکم است، منحرف سازد.

در این شرایط، انجام آن وظیفه ای که بیانیه "مهمترین، عاجل ترین و اساسی ترین" می شمرد نا چار با مقابله جدی با شاه پرستان و یاشای پیگیر اهداف و برتانه و همه اقدامات سازشکارانه و مماشات گرانه امثال "نهفت آزادی" همراه است.

راه نجات و هدفی که بیانیه پیش پای مردم قرار می دهد، راه و هدف روشنی است. سرنگونی رژیم پایان این راه نیست، در این راه باید توده های میلیونی، جمهوری ملی و موکراتیک را برقرار کنند و در جریان و در پی استقرار آن قدرت اقتصادی و اجتماعی کلان سرمایه داران و بیسزک مالکان را براندازند و برتانه ها را با تروا ریسا را به اجراء آورند. در جریان اشغال قدرت سیاسی و در پی آن زمین بارزه افشار و طبقات جا معسه برای کوبیدن مپروشان او ستها و منافع خود بر قدرت نوین ادا ما خواهد یافت و تشدید خواهد شد.

هر اندازه که آتاکهای طبقاتی کارگران و زحمت کشان ایران در مرحله کنونی مبارزه وسیع تر و عمیق تر گردد، اما مگانا پیروزی آنان در مبارزات آن دوره در مان بیخود خواهد بود. از این رو، فداییان خلق در مان حال که برای تدارک نیروی ضروری سرنگونی رژیم تلاش می کنند، در عین حال وظیفه دارند بطور مستمر مردم را نسبت به اهداف، برتانه ها و منافع طبقاتی سایر نیروهای سیاسی ایران آگاه سازند، تا مردم به شدت با نیروهای سیاسی بیجسای رژیم کنونی چال ترا تا توی می گذارند.

سلطنت طلبان که به وسیله نیم پهلوی و امینی و بیخیا رهبری می شوند، تلاش می کنند نظام منفور سلطنتی را به مردم تحمیل کنند. همان نظامی که یک با مردم علیه آن انقلاب کردند و به یاری دان تاریخ اش انداختند، ما علیه ایسن نیرو میارز کرده ایم و تا آخر نیز علیه آن مبارزه خواهیم کرد.

جمهوری دموکراتیک اسلامی آلترنا تیبی و بیسجتهای سازمان ما هدین خلق و جریا ناشی است که تحت رهبری آن عمل می کنند، هنوز رهبری سازمان ما هدین خلق اعلام نکرده است که ساختار حکومتی و نظام اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک اسلامی چگونه است. آنچه که رهبری ما هدین مشخص کرده، این است که جمهوری دموکراتیک اسلامی قبل از تشکیل مجلس موسسان مستقر خواهد شد، و اقداماتی که نظیر انحلال ارگانهای سرکوب و مگانا ت سرکوبگران انجام

خواهند داد. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران برای تشکیل جمهوری ملی و دموکراتیک به جای رژیم کنونی مبارزه می کنند. برتانه جمهوری ملی و دموکراتیک در بیانه بیخود تفتی ذکر شده است. در بیانیه مدها است: "ارگانهای ایسن جمهوری از با لانا پایین، در یک انتخابات آزاد، مستقیم و مخفی از طرف مردم انتخاب می شوند و برای مردم پاسخگو خواهند بود." "کارگران و دهقانان، خرده بورژوازی شهری، روشنگران میهن پرست و متفرقی و لایه های از بورژوازی متوسط و کوچک" قدرت حاکم جمهوری هستند. بیانیه با صراحت اعلام می کند: "ما با یک رژیم شوکراتیک بهر دلیل و هر عنوان که باشد مخالفیم". بیانیه مشترک اعلامی کند: "برای رسیدن به اهداف ملی و دموکراتیک، تشکیل جبهه واحیداز کلیه نیروهای ملی و متفرقی ضرورت دارد. "آراه نجات ایران از دیکتاتورهای ملی و دموکراتیک درجبهه واحداست." قبلا هم بیخود مهموما ۶۳ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) سازمانها و گروههای چپ و سازمان مجاهدین سرنگونی ایران و حزب دمکرات گریستان ایران را به همکاری و اتحاد عمل در راه آماجهای مشترک و تشکیل جبهه واحدها خوانده است. سازمان ما همزمان هم از با لانا طریق این نیروها رهبری آنها و هم از پایین از طریق توده ها برای همکاری و اتحاد عمل مشترک و تدارک جبهه تلاش می کند و خواهد کرد. ما تا کنون با رها گروههای چپ، دمکراتها و مجاهدین را به تلاش مسئولانه در این راه دعوت کرده ایم. ما رهبری سازمان ما هدین خلق عملا تا کنون اتحاد عمل وسیع نیروهای متفرقی در یک جبهه گسترده را می پذیرد و بیخود منظور بیخوش شرط هایی هم عنوان کرده است. رهبری بسیاری از سازمانها و گروههای چپ نیز همکاری مشترک و اتحاد عمل در راه آماجهای مشترک را رسا کنان گذاشته اند و تلاش برای تشکیل جبهه نیروهای متفرقی و را بطور غیر مسئولانه یا زنی قلمداد می کنند. عده ای از ایس گروهها حتی همکاری عملی فعالیت سازمانهای متفرقی را محدود می کنند. با این حال ما همچنان در این راه مبارزه خواهیم کرد. ایسن تلاش ما شمرده می شود، چرا که شرایط عینی مبارزه و ضرورتها ناشی از آن همکاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی را ضروری ساخته است. تحکیم پایه های اتحاد میان طبقات را گرد و پیگار قشمار سیاسی و تقویت همکاری و وحدت اراده و عمل کمونیستها با سایر نیروهای انقلابی از عناصر مهم تلاشی سازمان ما برای تشکیل جبهه است.

از روزهای تلخ تیر

به مناسبت هشتم تیر سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف و همزمان، از رفیق شمسی، یکی از قدیمی‌ترین اعضا سازمان ما که در درگیریهای تیرماه ۱۳۵۵ با ما مورین رژیم مستقیم شرکت داشته و تنها شاهد آخرین روزهای زندگی رفیق حمید است، خواستیم تا خاطرات آن روزهای سخت و دشوار را برای خوانندگان کارشناسان، بی‌گمان مطالعه این مختصر به نوبه خود نشان می‌دهد که سازمان ما تا رسیدن به مقام اولیای سازمان سیاسی طراز نوین طبقه کارگر ایران چه راه دشوار و خونباری را پیموده و چه گام‌های بلندی در راه پیشرفت و تکامل برداشته است.

با درود به خاطر شهیدان به خون خفته خلق شهدای پاک ساخته سازمان ما، در این مختصر شماری از خاطرات زندگی ام را که در حقیقت گوشه‌ای از تاریخ و تاجای سازمان ما است، به مناسبت سالگرد شهادت رفیق حمید عزیز و همزمان، و وقایع روزهای تلخ تیرماه ۵۵ را بازگو می‌کنیم:

رفقا! من در یک خانواده زحمتکش بدنیا آمدم. ۱۷ ساله بودم که به مبارزه سیاسی روی آوردم. مدتی گذشت که با رفقای شهیدزها قله‌های نژاد و انسانیت روحی آنها را آشنا شدم. در سال ۱۳۵۰ به سازمان پیوستم، به دستور سازمان برای آشنایی با مسائل کارگری و شناختن مطالب مبارزه کارگران در کارخانه آزمایش بکسار مشغول شدم. پس از آن، مدتی نیز در کارخانه کفش بلا کار کردم. در پایان سال ۵۲ به دستور سازمان وارد یکی از تیم‌های عملیاتی سازمان شدم. مسئول تیم مادران زمان رفیق شهید حسن نوروزی بود. رفیق حسن، کارگریک انقلابی برجسته و صمیمی بود. او از ستمی که بر مردم طبقه کارگری رفته شناخت مستقیم و بلاواسطه‌ای داشت.

رفیق شهید یوسف زرکاری که یک کارگر مبارز و انقلابی بود، با ما کار می‌کرد و نیز عشق بی‌پایانی به خلق و کینه و صفت نابردی به دشمن داشت. مدتی گذشت و من این امکان را پیدا کردم که با رفیق شهید حمید اشرف آشنا شدم. رفیق حمید عشق و اعتقادی عمیق به کمونیسم داشت. او رفیق صمیمی و خوش فکری و متفکر بود. خصوصیات انقلابی برجسته بود. او ذهنی پویا و اراده‌ای پولادین داشت. رفیق حمید با تمام وجود می‌رزید، با همه وجود به کارگران و زحمتکشان عشق می‌ورزید، انرژی او بی‌پایان نبود. شناختن نا پذیر و روحیه بی‌خوف و بی‌بهره و متواضع بود. با کارایی و توان و خوش‌ویا خصوصیات برجسته اش همه رفقا را تحت تاثیر قرار می‌داد.

بها رسال ۵۵ من به همراه تنی چند از رفقا در یکی از پایگاه‌های انتشاراتی سازمان در تارنیک زندگی می‌کردیم. در یکی از روزهای آخر اردیبهشت ساعت ۵ صبح که ما آماده ورزش روزانه بودیم، صدای رگبار مسلسل که از راه دور شنیده می‌شد، سکوت سنگینی در جمع ما حکمفرما کرد. پس از آنکه ورزش، ۲ تن از رفقا برای بررسی وضع اوضاع خارج شدند. رفیق شهید بهزاد میری دوان کشته از اعضای تیم ما بود، نیز برای انجام کاری از خانه خارج شد، من و یک رفیق دیگر باقی ماندیم. در پایگاه ما مقادیر زیادی وسایل و اسلحه موجود داشت، مسلسل‌ها و ماشین‌های تایپ در آنجا بود، من مشغول تایپ نشر دلقق شماره ۷ بودم، حدود ساعت ۷ صبح تلفن رنگ زده، رفیق شهید سرتن گفت: آقا، عضو کمیته مرکزی سازمان (ن) بود، او به من گفت: شمس فوراً اسلحه موجود در خانه را بسوزانید و از خانه

خارج شوید" ما فوراً اقدام کردیم، اسلحه‌ها را سوزاندیم و مسلسل و تایپ را برودا شته، قصد خروج داشتیم که رفیق سرتن سرزده به منزل ما آمد، رفیق سرتن گفت، احتیاطاً همه رفقای رهبری شهید شده‌اند. ما پرسیدیم چگونه؟ او پس از شناسایی ما با چند پایگاه، گفت هیچکس جواب نمی‌دهد، و اضا فقه کردن هنگام ورود به پایگاه تهران پارس مشاهده کردم که پایگاه محاصره است و رفقا درگیر شده‌اند. او گفت به پایگاه کوی کن هم تلفن زدم و رفیق غلامعباس زرکاری گوشه‌ای را برداشت و گفت "نیا بیدکه خانه محاصره است و ما درگیریم". غم سنگینی وجود ما را فرا گرفت، ولی زمان غم خوردن نبود، با تسلط بر اعضا سازمان با یکدیگر اقدام به خروج می‌کردیم، زیرا احتمالاً رفقا از کانال تلفن ردگیری شده بودند و خانه مان نیز در آن نایب بود. رفقا خروج شدیم و خانه‌های در تهران پارس رفتیم. در این درگیریها رفیق حمید اشرف موفق شده بود از چندین محاصره بگریزد. او بعد از درگیری در چند خانه و کشتن چندین مزدور ساواک، خود را به خانه‌های در کوی کن رسانده بود. پایگاه مزبور نیز تحت محاصره بود. او طرف آن گشتیهای فراوانی پهن می‌زدند، گشتیها به او مشکوک می‌شدند و ایست می‌کردند. او با آتش مسلسل حمید که همواره آماده شلیک به قلب دشمن بود، مواجه می‌گردید و تعدادی از آنها کشته و مجروح می‌شوند. رفیق حمید که موفق شده بود مسلسل تازه‌ای از درختستان به غنیمت بگیرد، در حالی که زخمی شده بود به یکی از پایگاه‌ها در خیابان نظام آباد مراجعت می‌نمود. رفقای مقیمان پایگاه سرپا مشغول مدارای اومی شونده، چند لحظه گذشت که پایگاه مزبور نیز محاصره گردید، مزدوران تارنجکی به حیاط خانه می‌آمدند و زنده‌ها را به طرف شروع به شلیک می‌کنند. رفقا با هوشیاری و شجاعت کم نظیر، همگی سالم از این پایگاه می‌گریزیدند و به کسی آسیب نمی‌رسانیدند. روزنامه ما خبر شهادت ۱۲ رفیق را در درگیریهای آن روز نوشتند. لحظات سرنوشت ساز و غم‌انگیز بود. به نظرم می‌رسد که هیچ یک از آنها امنیت نداشت، احساس می‌شد سازمان در تورپلیس افتاده است، باید سریعاً امکان ساخت و امنیت رفقا را تامین کرد. خبر شهادت ۱۲ رفیق خیلی سنگین بود، همسفری می‌پرسیدند که میک از رفقا شهید شده‌اند، چندساعتی گذشت که رفیق سرتن خبر سلامتی رفیق حمید را آورد، یعنی اعضای پایگاه ما خوشحال شدند، قلبها یمان کمی آرام گرفت.

مادر خانه تهران پارس که ۹۰ متر بیشتر نبود و نسبتاً من‌بظرمی رسید، ۹ نفره زندگی می‌کردیم همه ما نسبت به هم چشم بسته بودیم، یعنی هیچکس از ما برای جلوگیری از آسیب پذیری سازمان حق نداشت از مشخصات ظاهری رفیق دیگر مطلع باشد، همه رفقا بگونه‌ای از درگیریهای خیبرجان سالم بدر برده بودند، شرایط زندگی ما در آن خانه بسیار دشوار و طاقت فرسا بود. من به اتفاق شهید کیومرث سنجری در زیر زمین خانه، اتاقک تایپی درست کرده بودیم تا صدای تایپ را همسایه‌ها نشوند و مشغول تایپ نشر دلقق شماره ۷ بودیم. رفیق حمید اشرف هم در جمع ما بود و در آن غوغای نشر پیدا شدن مطالب نشر دلقق را تهیه می‌کردیم. من می‌داد تا تایپ کنم، بوضوح عیبی بود. هر لحظه امکان حمله دشمن وجود داشت، ولی رفقا با شوق فراوان و عشق و ایمانی و وفاداری بی‌سریساری از مشکلات چیره می‌شدند، رفیق حمیدی گفت باید نشر دلقق را هر چه سریعتر منتشر شود تا دشمن بفهمد که سازمان ما نابود نشده است، انتشار نشر دلقق ضروری است. همچنین به دشمن و نیرویهای رژیم نشان دادیم که خواهیم بود. ما موفق شدیم در آن کارزار نا برابری نشر دلقق را منتشر کنیم و بخش نمایییم.

شب ۸ تیر قرار بود رفیق حمید به خانه بنیاید اما نیا آمد، ما نگران شدیم، رفیق سرتن اطلاع خلق پس از هر ضربه قوی تر با خاسته‌اند و تجربیات گذشته را توشه راه آینده کرده‌اند. زیرا که سازمان ما ریشه در میان کارگران و زحمتکشان میهن‌سازان دارد. تا مبارزه آنان ادامه دارد، ما نیز خواهیم بود و رژیم خود را می‌خواهیم گرفت. رژیم جنایتکار خمینی نیز از موربان رژیم شاه آمریکا بی‌سودی نبود. سازمان ما را در سر می‌پروراند. اما مقاومت و مبارزه دهها هزار فدایی خلق، دژ خمیان را در اجزای نقشه‌های شوم و ضد مردمی نشان داد. ما سخته‌است. تلاشهای مذبح‌خانه دژخیمان به هیچ وجه قادر نیست جلوی

دادگاه وضع عادی است. رفیق حمید برای تشکیل اجلاس کمیته مرکزی سازمان ما به پایگاه مهرآباد جنوبی رفته بود. آن شب گذشت و روز بعد از طریق راه دیومطلب شدیم که همه رفقا شهید شدند. تمام رفقای رهبری سازمان در یک درگیری طولانی و قهرمانی کم نظیر ایستادند، از میدان نبرد جان برسر میمانند. خویش با خلق نهادند. آن لحظات را هیچگاه فراموش نمی‌کنم، سکوت سنگین و آندو هتاکه‌ها را فراموش نمی‌کنم، در آن لحظات همه رفقا به فکر مسئولیت خطیری بودند که از آن پس به عهده تک تک ما قرار می‌گرفت. رفیق حمید و یاران از شنیدن این زنده‌ست‌ها با ما بودیم ولی مبارزه ادامه داشت. عشق به مردم و ایمان به آرمانهای انقلابی و شریفان عزم ما را استوارتر می‌کرد. کوچکترین تاخیری جایز نبود. بلافاصله تصمیم گرفتیم که ارتباط قطع شده را با سازمان کنیم و ادامه فریب را کنترل کنیم. تمام ارتباطات ما قطع شده بود، وضع مالی ما بسیار بد بود، رفیق شهید سیمین توکل‌ی که برای تأمین پول از یکی از هواداران سازمان ما موربت یافته بود، برای انجام این کار در تورپلیس افتاد و شهید شد. حالاً بیدار شدن امکان زنده‌گمان را نیز از ما محروم می‌کردیم. شهادت شهید یونس، همه رفقا مجبور به خروج از خانه شدند. به دلیل نبودن امکان سازمانی هر کس با شجاعت برای زندگی و حفظ خود امکان می‌ساخت. برخی از رفقا شهیدان را در این اطراف تهران می‌خواهیدند، و روزها را سرگردان در اتوبوسها می‌گذرانیدند تا از گزند گشتیهای پلیس در امان باشند. دو نفر از رفقا در جنوب شهر تهر بار می‌فرستادند، من هم به منزل ما در رفیق شهید خدا بخش شاهی رفته و چندی در آنجا ماندم، تا اینکه با تلاش خستگی ناپذیر و احساس مسئولیت انقلابی رفیق شهید و فداکار حسن فرجودی لنگرودی، این قهرمان و مقاومت و ایستادگی ما با شجاعت و شجاعت سازمان برقرار شد و روزها، روزی از زانو، حرکت دوباره آغاز شد. با شوق و صف نابردی به دشمنی بولادین و عشق بی‌کران به کارگران و زحمتکشان و کمونیسم دوباره تقریباً از صفر آغاز کردیم. بله رفقا، در سال ۵۵ برای چهارمین بار همه هیران سازمان ما شهید شدند، ولی ما می‌پسندیم مگر یک کمیونیت می‌تواند همه چیز را تمام شده بداند، نه، نه، هرگز! ما از مرگ جزایر شرم‌زده‌ها، رهبری جدید از رفقای باقی مانده انتخاب کردند. رفقای ما با جنگ و دندان سازمان را احیا و پرچم برافراختند. راه را هر از آنکه داشتند.

رفقا! از اینجا و رشتما این است که هرگز سگرم مبارزه کارگران و زحمتکشان را ترک نکردیم، ماندیم و روزمیدیم و خاتیم، من یک بار، بلکه چندین بار هر بار رویا ترور زنده‌تر، آگاه تر، و رواج تر. آری رفقا از رفقای ما در این است، ما بر چرب رویها و بی تجربگی ما غلبه کردیم. سازمان ما را از محاصره اندیشه و سیاست‌های نادرست و اشکال ناساناسب سازمانی در آوردیم و قدم به قدم در عرصه اندیشه و سیاست و تشکیلات اجتماعی پیوستیم و راه عمیق ترین و پویا ترین پیوندها را با طبقه کارگر ساخته و توده‌های میهن‌سازان کمونیم، امروز سازمان ما سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران است، امروز سازمان ما سازمان ما تاج شهیدترین طبقه‌های ارتجاع و امپریالیسم است، با زهم رهبران ما و کاردها و اعضا سازمان ما شجاعت بی‌گنبدند، با زهم رفقای ما ما می‌گیرند و شکست می‌کنند و به‌جوخه اقدام می‌سازند. با زهم رفیق قربان علی مودنی ما و دهها و صدها جیره تا بناتک انقلابی چون او به دست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی شهید می‌شوند، اما ارتجاع تیرسریست کار می‌کوبد، ما سرخسختی و شکنجه و مرگ غلبه می‌کنیم، راه پیروزی را بر آوارگاه ارتجاع هموار می‌سازیم.

روز انقلابی ما را بگیرد و ما را تلاش برای رهایی کارگران و زحمتکشان با زهد دارد. جای هر رفیقی از ما که شهید می‌شود، یا به زندان می‌افتد، توسط دهها و صدها فدایی دیگر بر می‌شود و صوف ما فشرده‌تر می‌گردد. امروز بر سر سترجنش اوج یافته‌اند کارگران میهن‌سازان، زمینه‌های مبارزه بیشتری برای گسترش فعالیت انقلابی سازمان فراهم شده است. بی‌شک و کوشش و تلاش خستگی ناپذیر فداییان خلق، سازمان ما روز بروز توانایی بیشتری برای پاسخگویی به وظایف انقلابی خویش می‌یابد.

میراث انقلابی شهدای تیر و همه شهدای فدایی در هستی سازمان نشان که یکی از گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر و پرچمدار رژیم کارگران و رنجبران میهن‌سازان است، تجسم یافته است. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در سالگرد تیر و هر از آنکه همه فداییان شهید و رژیم را گرامی می‌دارد و به عزم و روزم انقلابی و به عشق و ایمان خلل ناپذیر آنان به میهن مردم و بسه آزادی و پیروزی کارگران و رنجبران درودی فرستد.

شکست کارگران و زحمتکشان را گرامی می‌داریم
ارتجاع ستم‌ناز را ستم‌ناز را گرامی می‌داریم
پیروزی ایستادگی کارگران و زحمتکشان را گرامی می‌داریم
دژ خیمان را گرامی می‌داریم

گرامی باد ۸ تیر
و با ایمان راسخ به سوسیالیسم و کمونیسم به پیکار انقلابی مشغول گردید. انقلابی سرشناس حمید اشرف از پایگاه کارگران گروه جزئی - ظرفی و از بنیانگذاران سازمان ما بود و نقش ارزمند در حفظ و اعتلای سازمان در مقاطع حساس عهده داشت. حمید چه پس از دستگیری رفقای گروه جزئی در سال ۴۶ و چه بعد از ضربات گسترده به گروه‌های موسس سازمان در سال ۴۹ و چه در سالهای ۵۰ و ۵۱ و دوره‌های سخت و دشوار دیگر، با یاری تنی چند از رفقایان نقش ارزمند در سازمان ما را شانه‌ای و تضمین ادامه‌کساری مبارزه سازمان به عهده داشته‌است. رفیق حمید مبارزی خستگی ناپذیر و صلح‌شور بود. خصایل مردمی و شریف داشت و یک لحظه از مبارزه برای رهایی کارگران و زحمتکشان با زنا پستند، عزم و روحیه قوی او همواره امیدبخش یاران مبارز ما بود. رژیم شاه گمان داشت که با شهادت رفیق حمید و یاران، سازمان ما متلاشی خواهد شد، اما فداییان

جاودان باد خاطر شهیدای بخون خفته خلق

جنگ برادرکشی در لبنان و شادی های رژیم ایران

اینک بعد از بیرون رانده شدن نیروهای اشغالگر توسط میهن پرستان لبنان و بی سرروزی بردولت تجا و زکرا سران شیل ، جنگ و برادرکشی در جنوب لبنان را آج گرفته ایم . افراد مسلح سازمان "امل" با توپ و تانک به اردوگاه های فلسطینی صبرا ، شیتلا و برج البراجنه حمله کرده و عده زیادی از فلسطینی ها را که از خانه ها شانه خود دفاع می کردند ، کشته و اردوگاه ها را به محاصره درآورده اند . هدف امل از این یورش ، خلع سلاح کامل فلسطینی ها و کنترل اردوگاه های آنان است .

علت این درگیری های خونین را باید در مسأله موقعیت فلسطینی ها در لبنان جستجو کرد . فلسطینی ها برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ ، بعد از رانده شدن از سرزمین خود به کشورهای عربی از جمله لبنان پناهنده شدند . در جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷ و قتل سی هزار اسرائیل ، غزب روداردن را اشغال کرد ، عده فلسطینی ها در لبنان را افزایش یافت و به ۳۵۰ تن رسید . پس از آن ، اردوگاه های بزرگ فلسطینی صبرا و سرسلین را بوجود آمد . لبنان تا سال ۱۹۸۲ مقر اصلی نیروهای فلسطینی بود . در این سال صهیونیست ها به لبنان حمله کرده و بعد از اشغال جنوب لبنان ، بیروت را به محاصره در آورده و بی توپ و تانک و هواپیما به جان مردم بی گناه افتادند . نیروهای صهیونیستی شرط قطع تجا و زکرا به بیروت را خروج فلسطینی ها از بیروت اعلام کردند . زمینگان فلسطینی در مدت محاصره بیروت قهرمانانه علیه تجا و زکرا جنگیدند و حمله های شورا نیکوآفریدند ، و سرانجام خروج از بیروت را پذیرفتند . اکنون ، که در سایه پیکار میهن پرستان لبنان ، نیروهای اشغالگر مجبور به ترک لبنان شده اند ، مسأله موقعیت فلسطینی ها در لبنان به گمان درگیری ها تبدیل شده است .

زمینه ساز این درگیری های خونین را که به جنگ " اردوگاه ها " مشهور شده است - باید در مسأله تجا و زکرا و تفرقه افکنانه امپریالیسم و صهیونیسم دید . آنان از یک سونفلسطینی ها را از سرزمین خودشان بیرون رانده و برای سرکوب جنبش فلسطینی و مبارزات رها بی بخش کشورهای عربی به تجا و زکرا لشکرکشی متوسل می شوند و از سوی دیگر تلاش می کنند در صفوف زمینگان فلسطینی و خلق های عرب شکار بیابانند . اکنون که نیروهای اشغالگر اسرائیل و همچنین نیروهای چند ملیتی ، مجبور به عقب نشینی از لبنان شده اند ، به طرق مختلف می کوشند به اختلافات قومی ، مذهبی و سیاسی و درگیری بین نیروها را دامن بزنند و آتش جنگ را در لبنان شعله ورنگه دارند .

توسل به جنگ و کشتار برای حصول اختلافات به سود دشمن مردم لبنان و دولت های ارتجاعی منطقه بوده و نمی تواند مورد تایید نیروهای ترقی خواه قرار گیرد . قریب دو میلیون محکوم کرده ، این اقدامات فاجعه آمیز ، متنیان توان و قدرت رزمندگی مردم لبنان را در پیکار علیه صهیونیست ها تحلیل می برد . خصم مردم لبنان در اردوگاه های فلسطینی مستقر نیست ، بلکه در بین نیروهای فالانژ و در آن سوی مرزهای لبنان ، در سرزمین های اشغالی است . امروز می باید سیاست نیروهای مبارز لبنان و فلسطینی بر سر زمینه اختلافات خود را حل کرده و متحد علیه دشمن مشترک پیکار نمایند .

در جریان حوادث اخیر لبنان منتظری های سیاسی را به ریاست کسروبیسی روانه لبنان ساخت تا با راجان نیون جنوب لبنان و با طرف های درگیر جهت برآین دادن به جنگ به مذاکره بپردازند . منتظری به هیات اعزامی گفت : " به روحانیت مبارز در لبنان بگویند اگر در این شرایط حساسیت نگیرد و با قاطعیت وجدیت و فداکاری جلوی این جنگ و خونریزی داخلی را نگیرد ، تمام زحمات و خدمات آقایان منمحرمت و جوانان مبارز و اینکاره لبنان را بر باد خواهد رفت . این دلسوزی فریادگاران از جانب منتظری ، در شرایطی صورت می گیرد که سران رژیم جمهوری اسلامی برای شکافانداختن در درون جنبش فلسطین و میهن پرستان لبنان بیشترین تلاش را می کنند . آنان به جای دفاع از حقوق مردم فلسطین و حمایت از سازمان های سیاسی آنها ، به ساختن سازمان های مجبور الهویه دست زدند ، رهبران رژیم بعنوان اینک پیدشوروی سازمان های سیاسی فلسطین ، اسلامی نیست ، و تنها " اسلام است که می تواند مردم فلسطین را نجات دهد ، به تضعیف سازمان آزادی بخش فلسطین پرداخته و بسبب اختلافات درون آن دامن زده اند .

سرمداران رژیم خمینی ، در پیکار میهن پرستان لبنان علیه اشغالگران اسرائیل نیز به شیوه های تفرقه افکنانه متوسل شده ، آنها به جای حمایت از میهن پرستان لبنان به شکل گیری جریان موسوم

به " حزب الله لبنان " یاری رسانند . حزب الله لبنان ، همانند همسایگان خود شدیداً مرتجع و انحطاط طلب ، تفرقه جو ضد کمونیست و سرکوبگر است و با علم کردن پرچم اسلام به تفرقه در صفوف مبارزان لبنان مشغول است . رژیم خمینی در سده سال ۶۴ ، مقادیر معتدلی به عنوان کمک به ایران جریا نهادی تنگ نظرها را طلب اخمص داده است . مردم میهن ما با سیاست های تفرقه افکنانه رژیم خمینی در درون جنبش های رها بی بخش و حمایت از جریا نهایی قشری مرتجع آشنا هستند و می دانند که عزائم هیات به لبنان رنه از سر خیرخواهی و انسان دوستی ، بلکه دقیقاً با هدف تقویت مواضع منسوخ و دست پروردگان رژیم در لبنان است .

کنگره بین المللی ضد انقلاب!

در ماه گذشته در یکی از اردوگاه های دستجات خرابکار آنکولاموسومبه اونیستا ، سران باندهای ضد انقلابی از چند کشور گرد آمدند و به مذاکره و مشاوره پرداختند . در این اجتماع شرار افغانستان ، باندهای ضد انقلابی نیکاراگوئه ، خرابکاران اونیستا و دیگر دستجات ضد انقلابی شرکت داشتند . لوئیس لرمسان دوست نزدیک ریگان و سرپرست سازمان ارتجاعی موسوم به " اتباع هوا دار آمریکا " در این اجلاس سخنرانی کرده و اظهار نمود : هدف های شما هدف ما است و در آخر سخنرانی برای دستجات ضد انقلابی آرزوی موفقیت کرد .

بنابراین گزارش مطبوعات آمریکا ، اجتماع بین المللی ، سران دستجات خرابکار در خاک آنکولا ، مقدمه ای برای نخستین کنگره جهانی ضد کمونیست " هاست که دولت ریگان می خواهد تشکیل دهد . راه اندازی دستجات تروریست در سالهای اخیر به یکی از ارکان اصلی سیاست تجا و زکرا و دولت ریگان علیه کشورهای رها بی یافته تبدیل شده است . دولت آمریکا هر ساله مبلغ کلانی برای کمک به باندهای خرابکار اختصاص می دهد . دولت ریگان سر کرده های جنایتکار باندهای تروریست را در خاک آنکولا گرد آورده است تا در مورد خرابکاری و کشتار مردم بی گناه با هم به مشاوره بپردازند . این اجتماع گام جدیدی در مشروعیت بخشیدن به تروریسم و جنایات ضد انقلابیون توسط آمریکا است . نیروهای مترقی جهان تلاشهای مذبحاندر ریگان برای راه اندازی باندهای ضد انقلابی و بین المللی کردن تروریسم را محکوم کرده و علیه آن مبارزه می کنند .

دلارهای آمریکا علیه نیکاراگوئه

سرانجام ، مجلس کنگره آمریکا مبلغ پیشنه های دولت ریگان برای کمک به باندهای ضد انقلابی نیکاراگوئه را تصویب کرد . با این تصویب مجلس کنگره ، " سیا " امکان خواهد یافت که دستجات خرابکار نیکاراگوئه را به سلاح های بیشتر و مدرن آمریکا مجهز نماید .

این اقدام ریگان که به دنبال تحریم اقتصادی نیکاراگوئه صورت گرفته ، به معنی گسترش با زهم بیشتر جنگ اعلام شده علیه دولت انقلابی سا ناندینیست ها بوده و به تشدید و خامت و تضعیف مرکزی منجر خواهد شد . دانیل اورتن رییس جمهور نیکاراگوئه اعلام کرد : " این تصمیم منافقانه موازین و منشور سازمان ملل متحد است ، مبلغ تصویب شده از سوی مجلس کنگره آمریکا برای اشخاصی در نظر گرفته شده است که به دستور سازمان " سیا " آمریکا به قتل و کشتار مردم در نیکاراگوئه مشغولند . در نتیجه وضع آوضاع آمریکا مرکزی ربه و خاتم گرا بیده و مداخله نظامی آمریکا در آن شدت می یابد .

مردم و نیروهای مترقی و صلح دوست جهان اقدامات تجا و زکرا و دولت ریگان ، علیه انقلاب نیکاراگوئه را محکوم کرده و از مردم و دولت انقلابی نیکاراگوئه حمایت می کنند . شرکت کنندگان اجلاس اخیر در سمپوزیوم بین المللی ویژه خلع سلاح در کمزیک ، سازمان آمریکا در مورد نیکاراگوئه را شدیداً مورد اشتقاق قرار دادند .

توطئه جدید آمریکا علیه کوبا

دولت ریگان ، ایستگاه رادیویی جدیدی به نام " رادیو مارتی " ، که علیه حکومت انقلابی کوبا و نیروهای مترقی سخن بپراکنی خواهد کرد ، بر راه انداخته است . دولت تجا و زکرا ، تا کنون برای خاموش کردن شعله های چشم مردم آمریکا مرکزی علیه امپریالیسم جهانخوا را آمریکا با اقدامات گوناگونی از جمله تجا و زکرا و مسلحانه ، محاصره اقتصادی ، ترسیت مزدور و عملیات تروریستی متوسل شده است . اکنون

برای تکمیل مذاکلات و فشارهای خود ، مبلغ کلانی اختصاص داده است ، تا با راه انداختن تبلیغات جعلی ، در راه رها بی مردم ستمدیده آمریکای مرکزی از یوغ جفا خواران موانع جدیدی بوجود آورد و در سازمان جامعه نوین در کشورهای رها یافته اختلال ایجاد کند . دولت آمریکا تا کنون علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و مترقی ایستگاه های متعدد را دیوبی دیو بر کرده و بودجه های کلانی را برای اینکار منظور کرده است . در ماه گذشته دولت ریگان علیه حکومت انقلابی افغانستان نیز ایستگاه رادیویی دیگری بر راه انداخته است . ولی ایسن توطئه ها همانند دیگر اقدامات آمریکا نخواهند توانست جنبش خلق های بیباخته علیه امپریالیسم جهانی را متوقف سازد .

جلسه مشاوره در مسکو

در اواسط ماه گذشته ، جلسه مشاوره ای بین امریون تسریخ روند پیشرفت علمی و فنی در مسکو تشکیل گردید . در این جلسه ، مقامات حزبی و دولتی ، وزرا ، دولت ، روسای کمیته های دولتی ، نمایندگان اتحادیه های کارگری ، دانشمندان مشهور ، مدیران صنایع و کشاورزی و کارگران و کشاورزان برجسته شرکت داشتند . میخا بیل کار با جف ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، گزارشی مبنی بر " مسائل بنیادی سیاست های اقتصادی حزب " ارائه داد . وی در این گزارش گفت : " ما به پیشرفت عظیمی در مسائل اقتصادی تا سال آینده ایم کده است فخر و مباهات می کنیم . در کشور ، هزاران واحد تولیدی احداث شده و چهره شهرها و روستا های ما تغییر یافته و سطح فرهنگ ، آموزش و بهداشت با لافزته است . برای بهبود شرایط مسکونی ، فرهنگ و معیشتی رفاه مادی بطور کلی ، کارهای زیادی انجام گرفته است . برتری های سوسیالیسم و اقتصاد دیمتستی بر برنا مه ، در همه موارد به روشنی نمایان است ، ولی در پیشرفت اقتصادی اوایل سالهای ۷۰ ، مشکلات معیشتی احساس می شود . علت عمده مشکلات در این است که ما در نوسازی سیاست های ساختاری ، اشکال و شیوه های مدیریت و روانشناسی فعالیت اقتصادی ، با فشاری نشان ندادیم . در باره حزب و همه مردم شوروی ، وظیفه رفیع گرایشات منفی و بهبود سطح آموزش ردا ردا ی اکنون کشف و بکار بردن همه ذخایر برنا مه ای ارتقا ، تفریحی کار رساله عمده ای است که کارهای ما با بی ضروری حیاتی تغییر جهت گیری هرواحد داشته و تمام اقتصاد ملی در راه پیشرفت سریع راد رک کنند . برای پیشرفت عمقی می باید در گرونی های جدی در مکانیسم اقتصادی و افکار صورت گیرد .

میخا بیل کار با جف در پایان سخن خود گفت : " در برابر ما ، کارهای جدید ، بزرگ و مشکل قرار دارد ، اما ما می توانیم از زحمات گذشته آنرا به نفع مردمی استفاده کنیم . ما موظف هستیم از زحمات آن برآیم . "

دور دوم مذاکرات ژنو

در اوایل ماه گذشته ، دور دوم مذاکرات اتحاد شوروی و آمریکا پیرامون تسلیحات فضا پیوسته ای در ژنو آغاز شد . در این دور اتحاد شوروی بار دیگر آمادگی خود را برای یافتن راه حل های مورد قبول طرفین اعلام داشت . به نوشته ژورنال های وادادورا و اول مذاکرات نتوانست به نتایج رضایت بخشی برسد . اتحاد شوروی در مذاکرات ژنو پیشنه های معیشتی در تمام جوانب ارائه داده است ، ولی موضع آمریکا فادعنا سرما زنده بوده و با اهداف و مواضع میهن موافقت نداشت . مواضع آمریکا با زیر پا گذاشتن موافقت نامه ها ، آشکارا اعلام می کند که تحت هر شرایطی برنا مه " جنگ ستارگان " را که همانا تولید سلاح های فضا پیوسته است ، ادامه خواهد داد . و در مقابل پیشنهاد طرح جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا می گوید : " کافی است در مورد مقررات هدایت سلاح های معیشتی نوع سیستم سلاح های فضا پیوسته ، تعداد دوزمان کار برد آنها توافق صورت گیرد تا جلوی مسابقه تسلیحاتی گرفته شود . "

اتحاد شوروی ، با وجود کار رکنی های آمریکا همچنان خواه ستار ردا و مذاکرات ژنو است . گاریا جف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی می گوید : " ما امیدواریم که در این ماه به ندای مردم که خواهان استقرار صلح و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی هستند ، توجه کنند . ما امیدواریم عقل سلیم ، واقع بینی سیاسی و حساس مسئولیت برای آینده صلح آمیز غلبه پیدا کند . ما به توانایی مردم برای حفظ حق زندگی ایمان داریم . "

از نبرد فدائیان خلق

طی ماه‌های اخیر فعالیت‌های انتشاراتی و تبلیغاتی رفقای ما در نقاط گوناگون کشور میزبان قابل ملاحظه‌ای گسترش یافته است. فداییان خلق با بهره‌گیری از شیوه‌های ابتکاری و گوناگون، پیام سازمان را به کارگران و زحمتکشان می‌رسانند. رفقای ما در مسیح مردم علیه جنگ و علیه رژیم جنگ افروزان و ننگ‌ساز اعتراضات خلق نقش برجسته به عهده دارند. تراکت‌ها و اعلامیه‌های گوناگونی که واحدهای ما زمان در نقاط مختلف کشور انتشار دادند و پخش نمودند، نشانه‌های مبارزانه‌ای که در نقوش زنده همگی حاکی از حضور فعال سازمان ما در میدان گسترده رزم مردمی است.

نمونه‌های زیر فعالیت فداییان خلق را در سازماندهی مبارزه کارگران و زحمتکشان و ارتقاء شعاری آنان در نقاط مختلف کشور استهستی ضد مردمی رژیم و در ننگ‌ساز اخبار مربوط به مسئله اعتصابات، اعتراضات و تظاهرات بوده‌ها منعکس می‌کنند.

تهران:
- در تراکت افشاگرانه‌ای که فعالین فدایی تحت عنوان "نگاهی به شال‌ها" انتشار دادند، با عنوان "خیمین در سال ۵۷ می‌گفت: چند دست‌ساز پنبه بسته دهقانان است، فداییان اکثریت در برنا به خدا اعلام کردند: زمین از آن کسان است که روی آن کار می‌کنند. شورای نگهبان ارتجاع اعلام کرد: تقسیم اراضی بزرگ مالکان (بند) غیر شرعی است. خیمین در سال ۶۱ گفت: حرف خود را بگویند. مردم مبارز برای دفاع از اهداف انقلاب متشکل شوید."

- "خیمین در سال ۵۷ می‌گفت: کارگران ستون انقلابند. فداییان خلق در برنا به خدا اعلام کردند: افزایش دستمزد، روزگار در دهنده، قانون کار انقلابی، تا مین بیمه‌های اجتماعی، مشارکت کارگران در سرنوشت واحدهای تولیدی، شوراها و سندیکاها، کارگری برای کارگران، خیمین در سال ۶۳ گفت: تجار محترم استوانه انقلابند. کارگران مبارز متشکل شوید. برای افزایش دستمزد، قانون کار انقلابی، طرح طبقه‌بندی مشاغل، جلوگیری از اخراج و تحقق خواسته‌های دیگر خود علیه ارتجاع حاکم بپایزید."

- فعالین سازمان در تهران با پخش وسیع تراکتی با مضمون دعوت خلق به نبرد علیه رژیم، مردم را هر چه بیشتر با شعارهای سازمان آشنا کردند. در بخشی از این تراکت آمده است:
"موظبان عزیز! برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق، پایان دادن به رژیم سرکوب و اختقاق، خاتمه دادن به کشتار خلق، پایان دادن به قراردادهای اسارت با امپریالیستی پایان دادن به نظام بزرگ سرمایه داری و بزرگ مالکی، پایان دادن به گروانی و بیکاری، جلوگیری از اجافات قرون وسطایی به زنان، پایان دادن به گسترش بی سابقه اعتیاد، فساد اخلاقی، ارتشاء و اختلاس، پایان بخشیدن به فرهنگ ستیزی و هتسری ستیزی، متشکل شوید و مبارزه علیه ارتجاع حاکم را گسترش دهید."

- فداییان خلق در تهران با پخش وسیع تراکتی از مردم خواستند، در برابر هرگونه اقدام ضد مردمی و سرکوب‌گرانه رژیم متحد و یکپارچه به مقابله و اعتراض برخیزند. در این تراکت آمده است: "خیمین در سال ۵۷ می‌گفت: شاه ایران را گورستان کرده است، شاه ایران را زندان کرده است. فداییان اکثریت در برنا به خدا اعلام کردند: بپایزید! دیکتاتور شاه نابود گردد. بپایزید! شاه را سرکوب کنید. با زگردانده شود. استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی خواست مردم میهن ما است."
... شمره حکومت خیمینی چه بوده است: برترتعداد زندان‌ها، هر روز افزوده می‌گردد، به دلیل جنایات جنگی رژیم قربانیان هر روز وسیع تری می‌شود. کارگران را در کارخانه‌ها به گلوله می‌بندند، اعدای سیاسی دست‌جمعی برای افتداده است، افراد سرکوبگر حکومت آسایش و آرامش مردم را سلب کرده‌اند، جوانان و نوجوانان را دست‌سسته در جبهه می‌کشند می‌دهند.

هم‌میتان شرافتمند! برای مبارزه علیه رژیم آزادی کش و جنگ افروزمخیمینی، دشمن همه کارگران، دهقانان، بی‌پیشه‌وران و جوانان و زنان میهن مسا متشکل شوید، مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی.

- فداییان خلق در تهران با پخش وسیع اعلامیه‌ای تحت عنوان "جنگ و کشتار پرویزان، رمان ز میهنی ضد مردمی مدام" خیمین را ز مجرمین می‌نامد. راه گسترش بازم بیشتر اعتراض و تحمیل صلح به جناح پانگاران حاکم بر ایران، فرا خوانند. در این

اعلامیه آمده است: "رژیم در حالی بر آتش جانسوز جنگ همچنان می‌دمد و همراه با رژیم ضد مردمی مدام مردم ایران و عراق را در قریب نگاه جنسک نابود می‌کند که مردم دو کشور با نگرانی اعتراض خود را علیه جنگ بیشتر از پیش بلند کرده‌اند... این تنها بیمه، ارتقاء و پوششکهای رژیم ضد مردمی عراق نیست که هم‌میتان ما را در شهرهای مهین به خاک و خون می‌کشد... تنبوه اجساد جوانان میهن کسه طی عملیات جنایتکارانه "بدر" کشته شده‌اند با تعلقهای شوق خلق در ارتگین کرده است."

- فداییان خلق در تهران با پخش اعلامیه تحت عنوان "مباران شهرها و کشتار جمعی مسردم نتیجه ادا به جنگ است" حکام جنگ افروزمجهری اسلامی را افشا نمودند و از مردم زحمتکش میهنمان خواستند که با شعار صلح علیه رژیم ارتجاعی خیمینی بپایزیدند. در قسمت‌هایی از اعلامیه آمده است: "بیش از ده هفتاد از میباران و موشکباران شهرها و مراکز اقتصادی و غیرنظامی کشورمان می‌گذرد و ابعاد آن هر لحظه گسترش بیشتری می‌یابد. کشتار بیش از ده هزار نفر از مردم زحمتکش میهنمان و ویرانی شهرها و روستاها ریشه در ادا به جنگ هستی سوزی دارد که بیش از ده سال است رهبران جمهوری اسلامی در ادا به دیوانه و ارآن اصرار می‌کنند... مردم شرافتمند و روح دیده: برای پایان دادن به کشتار مردم، برای پایان دادن به جنگ ویرانگر مدامی اعتراض خود را برای ترکندید، تنها با مبارزه یکپارچه شما مردم علیه حکام جنگ افروزمی توان به جنگ پایان داد. شعار صلح، صلح، آزادی، صلح، صلح، استقلال، مرگ بر آمریکا، راه‌رو گسترش شهرونی و صلح و خاتمه، کارخانه‌ها و ادارات بیشتر در دهنده، مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی"

- فداییان خلق در منطقه مرکزی تهران اعلامیه‌ای تحت عنوان "مباران مناطق مسکونی و کشتار مردم بی‌گناه ایران و عراق محکوم است - جنگ باید بیدرتک پایان یابد" را وسیعاً پخش کردند. در این اعلامیه آمده است: "فردا با اعتراض خود را در هر جا که هستید و به شکل ممکن علیه جنگ و رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی بلند کنید، از تظاهرات و ارباع رژیم نهراسید، با گسترش اعتراضات و تظاهرات، مخالفت خود را با ادا به جنگ به نما پیش بگذارید."

- فداییان خلق ایران در شوق تهران همزمان با حملات هوایی رژیم جنایتکار عراق به شهرهای میهنمان، همچنین گسترش عملیات جنگی توسط حکام خائن جمهوری اسلامی، تراکتی به شرح زیر منتشر ساختند و بطور وسیع پخش نمودند: "جنگ با بیدرتک پایان یابد". مردم مبارز میهنمان! سزای خائن و جنگ طلب جمهوری اسلامی، بخاطر سر مقاصد ارتجاعی، تمام مردم تهران و دستمیدیه تهران و دیگر شهرهای میهنمان را قربانی می‌کنند. متحد شوید و فریاد مرگ بر جنگ، زنده باد صلح را در کوچه و خیابان و پشت بام هر خانه طنین انداز سازید."

- فداییان خلق در شوق تهران همچنین تراکت دیگری به شرح زیر انتشار دادند: "جنگ با بیدرتک بی درنگ پایان یابد - مباران مناطق مسکونی ایران و عراق محکوم است - مردم مبارز! حکام مرتجع جمهوری اسلامی با سماجت در ادا به این جنگ فکلت با ربا عت کشتار مردم بی دفاع و دستمیدیه شهرها، قتل عام جوانان میهنمان در جبهه‌ها و ویرانی شهرهای کشورمان شده‌اند. متحد شوید، فریاد اعتراض خود را بلندتر کنید، اعتراضات خود را به هر شکل ممکن علیه این جنگ خانمانسوز و علیه ارتجاع حاکم بر ایران به نما پیش بگذارید - مرگ بر ارتجاع و استبداد."

- بنیاد اوج گیری جنگ جنایتکارانه رژیمهای ایران و عراق و میباران شهرهای مختلف میهنمان فداییان خلق فعالیت‌های افشاگرانه و بسیج‌گر خویش را افزایش چشمگیری دادند، طی ماه‌های اسفند، فروردین و اردیبهشت دهها هزار تراکت توسط واحدهای پخش سازمان در نقاط مختلف شهرهای کشور پخش گردید. در تهران در روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند در مناطق بازاری، امیراکرم، بهیج شمیران، شهر ری و دیگر اعلامیه در دفاع از صلح، علیه جنایات رژیم در زندان‌ها و شهادت فداییان خلق در کشتارهای رژیم و مرگ‌های پخش‌هایی از اسناد پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان پخش شدند. در شرف فروردین ماه واحدهای پخش سازمان هنگام عبور با موتور از مقابل صف‌های طویل اتوبوس در نقاط مختلف تهران و اعلامیه‌هایی علیه جنگ و جنگ افروزان، تراکت‌هایی با مضامین گوناگون پخش نمودند. این عمل با استقبال مردم مواجه گردید و اعلامیه‌ها توسط مردم پخش شده است.

چندی پیش فداییان خلق در ابدتای خیابان آستانه در میدان امام حسین تهران تعداد زیادی اعلامیه از بالای یک ساختمان پخش نمودند. اعلامیه‌ها مزبور مربوط به مسائل کارگری و اعتصابات کارگران واحدهای مختلف بود. با دیدن اعلامیه‌ها ما برین بلافاصله جمع شده وعده‌ای با اشتیاق به جمع‌آوری

و مطالبه آنها برداشتند. پس از مدت کوتاهی با ساداران خود را به محل رساندند، و اقدام بسسه متفرق کردن مردم نمودند، آنها با عجله شروع جمع‌آوری اعلامیه‌های باقی مانده کردند. این امر بسبب متسخر و خنده مردم شده وعده‌ای می‌گفتند: "اینها برای چه از کاغذی ترسند؟ بعد از مدت‌تسی شده دیگری از کمیته‌های ما نیز به محل آمدند و شروع به گشتن ما برین کردند، مردم به این اعمال اعتراض نمودند. عده دیگری از کمیته‌های ما هم به تحقیق از منازعه داران محله پرداختند. بعضی از عابریین اعلامیه‌ها را با خود می‌بردند و آنها را در نقاطی که جلب توجه می‌کردند فراموش دادند،

تبریز:
فعالیت گسترده فداییان خلق در آذربایجان و بخصوص تبریز خشم ما موران حکومتی را برانگیخته است. رفقای ما در تبریز متقا در قابل ملاحظه‌ای اعلامیه و تراکت افشاگرانه علیه رژیم و علیه جنگ و در رابطه با مسائل گوناگون مردم پخش و نصب نمودند. چندین پیش رفقا مقادیر زیادی اعلامیه از بالای ساختمان ۱۱ طبقه برلیان واقع در راه امین شریده به میدان کوروش پخش کردند که بسا استقبال گسترده عابریین مواج گردید. بنیاد این امر با سادارانی با لباس شخصی سریبا خود را به محل رساندند و اعلامیه‌های باقی مانده را با عجله جمع‌آوری کردند. رفقای ما در تبریز در فرصت‌های مناسب در خیابان‌ها و محلات گوناگون از جمله، بسا بسا بوسف‌آباد، با عمارت، سیلاب، شمن تبریز و سدره کوچه ایده لی و جویلی دره (ببازارچه سیلاب)، خیابان خیمینی، چهارراه منصور، سالی‌الان، سرک، چرندآب کوی و علی عصر، دروازه تهران، خیابان حافظ، چهارراه آبرسانی و خیابان آبرسانی، ما به پیگرد شهید جیبری، به میزان زیاد اعلامیه و تراکت‌های گوناگون در رابطه با جنگ، مشکلات و مسائل کارگران و زحمتکشان پخش نمودند.

همچنین در خیابان‌ها و محلات گوناگونی شعارهای سازمان توسط فداییان خلق در تبریز نوشته شد که مضامین آنها عموماً علیه جنگ و علیه رژیم بود.

مجدلیمان:
شعر نویسی فداییان خلق در کارخانه‌ها تکساز میجدلیمان با استقبال کارگران مواجه شد. مسئولان حکومتی که وضع را چنین دیدند، خشمگین شده و از شعارها فیلم برداری کردند و با خود بردند. سپس کارگران را از طریق کا سوسپا زیر نظر گرفتند. شعارها در:

توسط فداییان خلق در شاهرود شعارهای سازمان علیه جنگ و علیه رژیم خیمینی در نقاط ورودی و خروجی شهر نوشته شد. این شعارها مدت‌ها باقی ماند و به خوبی جلب توجه می‌کرد. این شعارها با استقبال مردم شهر مواجه شد.

بندرانزلی:
فعالیت تبلیغی افشاگرانه فداییان خلق طی ماه‌های اخیر گسترش زیادی یافته است. طی این مدت اعلامیه‌ها و تراکت‌های بی‌شمار در رابطه با جنگ و مسائل گوناگون مردم و علیه رژیم خیمینی توسط رفقای ما پخش گردید.

رودسر:
با زتاب فعالیت گسترده فداییان خلق در رودسر چشمگیری است. طی ماه‌های اخیر تراکت‌ها و اعلامیه‌های زیادی توسط رفقای ما در رودسر علیه جنگ و رژیم خیمینی پخش گردید و با استقبال مردم رودسر مواجه شد. همه‌جا صحبت از فعالیت گسترده فداییان خلق است.

فارس:
از سوی فداییان خلق در فارس اعلامیه‌ای تحت عنوان "پیام به مردم فارس به مناسبت فرارسیدن نوروز" انتشار یافت و بطور وسیعی توسط واحدهای پخش سازمان در شیراز و سایر شهرهای استان پخش گردید. در قسمت‌هایی از این اعلامیه آمده است: "سال نو در شرف پشی فرامی‌رسد که حکام جنگ افروز مردم شریف و زحمتکش ما را دیوانه و اردستانه تحویل سال در جنگ ویرانگر قربانی می‌نمایند. شهرها را ویران می‌سازند، جوانان و نوجوانان را در جبهه‌ها قتل عام می‌کنند... بیکاری و اخراج‌ها زندگی مردم را تشنه کرده است. زندان‌ها، پمباروین و انقلابیون را فرزندانشما زحمتکشان را آسپا کشته شده است... خلق کرد را در زیر بمبارانهای دهنده کشتار می‌کنند. کارگران معترض بسا شهنشاهی فدکا رگری حکومت را در کارخانه‌ها مورد هجوم قنرار می‌دهند و سرکوب می‌کنند. دهقانان معترض بسا بی‌ارگشت مالکان را دستگیر و زندان می‌اندازند، فساد در میان جوانان را... شاعی می‌دهند. خفقان و تاراج اندیشی را در دانشگاه‌ها حاکم نموده و زنان مبارز و زورخواران تحت تحمیلات قرون وسطایی قرار می‌دهند... مردم مبارز فارس! علیه جنگ، گواشی، کشتار جوانان، فساد ارتشاء، بپایزید!"

از میان گزارشها

پیروزی اهالی محله شمس آباد

در روز ۱۸ اردیبهشت ماه تعدادی از نفرات مسلح دادستانی همراه با واحدهای تخریب شمس آباد به محله شمس آباد واقع در شمال غربی محله تهران حمله کردند. آنها قصد داشتند تعدادی از خانه‌ها را به بهانه تصرف عدوانی از محله تخریب نمایند. این اقدام به خواست زمینخواری صورت گرفت که مدعی اراضی این منطقه بود.

مهاجمین بلافاصله منطقه مورد نظر را محاصره کرده و پس از بیرون راندن ساکنین آن شروع به تخلیه وسائل این منازل نمودند. در همان حالی که پاسداران و مأمورین شهرداری و دادستانی، سائل زندگی مردم زحمتکش این محله را در خیابان بی ریختند، لودرهای آکبب تخریب برای ویژن ماختن آن منازل آماده می شدند. ساکنین محله در همان بدو تهاجم گرد آمده بودند، دست به اعتراض زدند.

اجتماع اعتراضی ساکنین محله شمس آباد، پاسداران را متوحش ساخت آنها برای متفرق کردن مردم دست به تیراندازی هوایی زدند. اما با این اقدام مردم نه تنها مرعوب نشدند بلکه به دادن شعار پرداختند. با اوجگیری اعتراض مردم، پاسداران وحشت زده مجبور به گریز شدند.

مردم علیه اوباشان "حزبالله"

جنايات و تنبهاك ربهياي دسته جات اوباشي كه با حمايت ورهبري علني حكام خاش جمهوري اسلامي ليه زنا نورمرد معترض به جنگ صورت مي گيرد ، بوج اعتراض ومقاومت وتنفرمردم شهراي مختلف شوررا برانگيخت . مردم اغلب شهرا درمقايسل بين تنبهاك ربهيا به مقايله برخاستند .

تهران - در تقاطع خیابان جیحون - مالک اشتر نظا هرات اوباشان و جماع بدستان که راهها را بسته به مردم هجوم آوردند، با اعتراض ومقايله هالي مواجه شد . اهالي وجوانان خشمگين محل با دن گنگ مقفل به اوباشان آنان را از منطقه فراري آدند .

در تهران پارس نیز درگیری شدید بین موتور - بواران "حزبالله" و مردم معترض محل ایجاد تردید و مردم خشمگین "حزبالله" ها را که مزاحم بنان می شدند، شدیداً مضروب کرده آنها را قسراری آدند.

در نازی آباد، منبیره و افسر - مردم علیه "حزبالله" ها که توسط کمیته وسپاه سازمان داده می شوند و به از روایت مردم در کوه و خیابان می پردازند، اعتراض کردند و به مقايله با آنها پرداختند. مردم شعاری دادند: "مرگ بر حزب اله مع کن بروم" "ما سبگارتیرنی خوا ییم - ما رهبریرنی خوا ییم". نمونه های دیگری از اینگونه نظا هرات و اعتراضات در محله های بیمنت و قلعه حسن خان نیز اتفاق افتاده است.

ساواکيهای جدید

حكام خاش جمهوري اسلامي كه با جنبش اوج پابنده نوده ها مواجهدنبراي حفظ رژيم فدرمدي خود روزبروز بر تعداد بنا ندها و ارگانهاي رنگارنگ امنيتي و پاسوسي و بازرسي مي افزايند . وزارت ساواك خميني اخيرا دست با بجا بنا ندها جديدی به اسم "سياه ساگان" زده است . اعضای این بنا ندها لباس شخصی در سطح شهردارال گنست و جا سوسي وشكارمبارزين ومخالفين رژيم هستند . این گروه از اخبارات ویژه ای برخوردار میبود و

شمت و پنجمین سالگرد ... بقیه از صفحه ۵ بخش مردم ایران وارد گردید . علیرغم همه توطئه ها که علیه حزب کمونیست ایران صورت گرفت ، حزب با درس گیری از تجارب انقلابی خود و با بهره گیری از تجارب جنبش جهانی کمونیستی ، راه عمیقاً انقلابی و مردمی اش را کامل تر و دقیق تر از پیش ادامه داد و ضربات و آرده ارتجاع و امپریالیسم را از طریق تجدید سازماندهی و تربیت کارکنان جدید و گسترش رابطه اش با کارگران و زحمتکشان خشن کرد . حزب برپا به پیوند عمیق و استوارش با خواست و آرمان رنجبران ایران ، با تکیه بر خرد جمعی و وفاداری به اصول مارکسیسم - لنینیسم ، و با کمک کمونیست و رهبری لنین بر اختلافات درونی خود فداکاری آندو کمیته مرکزی واحدی تشکیل داد . کنگره دوم حزب کمونیست ایران که در سال ۱۳۰۶ در ارومیه برگزار شد ، نقش بسیار مهمی در سرنوشت حزب داشت . کنگره ارزیابی دقیقی

همچون اسلاف ساواکی خود اجازه دارند هر کسی را که دلشان بخواد هبدون هیچ حکم ومدرکی جلب و دستگیر نمايند .

گسترش کنترل تلفنها

رژيم سانسور و تخلفان جهت كسب اطلاع از مضمون مكالمات ومكاتبات مردم روزبروز بدهد امه كنترول نا مهها وتلفنهای مردم مي افزايد . ارگانهاي امنيتي رژيم جهت كنترول تلفنهای از شبوه هاي مختلف استفا ده مي كنند . آنان در وهله اول روساي مخابرات شهريستانها را از بين افراد مورد "اعتماد" خود كه بهرغم تني مي دهند و هرگاري مي كنند ، انتخاب مي نمايند . اينان نيز از طريق سازماندهي افراد هم سنخ خود مكالمات اشخاص مورد نظر را در مركز مخابرات همان شهريضي مي نمايند . اينسان كار را بقراردادن مخصوص روي شمار مورد نظر انجام مي پذيرد واگر مكالمه داخل شهري باشد طرفين مكالمه شناسايي مي گردند .

"خمينی ظالم است"

با ساداری که در جبهه جنگ به شدت مجروح شده بود ، در روز ۱۲ اردیبهشت ماه در خیابان طالقانی تهران دست به اعتراض علیه حکومت زد ، او در وسط خیابان با صدای بلند انزجار خود را نسبت به سرکردگان رژیم بیان می کرد . پاسداران دیگری که می خواستند او را از آن محل دور کنند ، قادر نشدند به آسانی او را تسلیم نمایند .

پاسدار معترض در وسط خیابان در جلوسوی آمبولانس سپاه درآمد کشیده و خیابان را مسدود ساخته بود . او مدام تکرار می کرد : "خمينی ظالم است . همه مسئولين و مقامات ظالمند ."

بازگشت بزرگ مالکان

اراك - اخيرا از سوي مقامات حكومتي وعناصر محلي زمينهاي "بيات" فتودال معروف اراك كه شامل مقدرات زيادي از اراضي اطراف شهراکيبود - به اوباش زگردا نديده شد . اين فرد قبل از انقلاب ربه نژديكي با خميني داشته وان زمان ميانگ گزافي بعنوان سهم امام خميني پرداخته است . به قول خودش اکنون اوباش خوش خدمتی هایش را در یافت می کند .

آذربايجان - اخيرا با حكم دادگاه "انقلاب" جلفا ومرشدومعايت اداره جنگلپاشي " حاج عباسعلی تقی زاده " بزرگ مالک روستای لیواجان (جلفا) با کله خودفندان خود به مراتع و چراگاههای روستا بازگشته است . بازگشت فتودال مزبور با اعتراض و مقايله روستاييان روبرو شد ، وکه وضع راجنين ديده اارگانهاي سرکوب رژيم ، از روستاييان شکايت کرد ، آنها نيز چنين نفر از روستاييان رايه "جرم" توهين و درگیری با ارباب به دادگاه کشا نندند .

تبريز - اخيرا زمينهاي روستاي يوسف آباد (حومه تبريز) که توسط کشاورزان مدت ها قبيل مداره شده بود ، با حکم دادگاه "انقلاب" به مالک سابق این روستا به اسم مجتهدی " بازرگدا نديده شد . روستاييان به ادين حکم اعتراض کردند و به مقايله با فتودال مزبور پرداختند . مسئولين حكومتي بي شرمانه اعلام کردند که زمينها "شراعا" متعلق به مجتهدی است ، و روستاييان هيچ حقی بژان ندارند .

اعتصاب در بیماران رستان شرکت نفت

در شهر آغا جاري واقع در استان خوزستان ، پزشکان ، پرستاران و بهياريان بيمارستان شرکت نفت دست به اعتصاب زدند . علت اعتصاب ، اعتراض به رفتار توهين آميز اعضای انجمن اسلامي و پاسداران کميته بود که در روز اول اردیبهشت به بهانه مبارزه با بي حجابي به بيماران و کارکنان اين بيمارستان حمله کرده بودند . دواش اين حمله وحشيانه عده ای از بيماران و کارکنان زحمتکش مضروب گرديده بودند . اعتصاب تا روز نهم اردیبهشت ماه ادامه داشت . در اين روز پس از اينکه مسئولين رسا پوزش خواستند ، اعتصاب خاتمه يافت .

اخراج کارگران در اهواز

در اهواز اخراج کارگران از واحدهای تولیدی افزایش سرسام آوری یافته است . تنهادر اسفندماه قریب ۷۰۰ نفر از سازمان آب و برق خوزستان ، ۶۰۰ نفر از صنایع فولاد اهواز و ۴۰۰ نفر از کارخانجات نورد اخراج شدند . در شرکت نفت اهواز نیز قرارداد کار ۶۰۰ تن از کارگران تجدید شد و همه آنها بیگار شدند . برخی از آنها چندین سال سابقه کار قرارداد می در این شرکت داشتند . اخراجهای جمعی در تمامی ماههای بهار نیز ادامه یافته است . در طی این فصل تنها در صنایع فولاد ، روزانه ۱۵ تا بیست نفر را از کار بیگار می کنند .

اعتراض پرسنل تانک سازی

به دنبال گسترش فعالیتها ی ضد رژیم در کارخانه تانک سازی وابسته به صنایع نظامی از طرف بخش عقیدتی و سیاسی این کارخانه دستور داده شد که پرسنل کارخانه هر روز صبح هنگام ورود با زرسی کامل شوند .

این دستور با اعتراض گسترده ۲۰۰۰ نفر از پرسنل این کارخانه مواجه شد . آنان پس از چند روز مقاومت و اعتراض جمعی موفق شدند مسئولین کارخانه را وادار به عقب نشینی و لغو دستور بازرسی صبحگاهی بنمایند .

پیروزی کارگران شرکت "آرام"

تهران - کلیه کارگران شرکت آرام (یک شرکت ازشکتهای پیمانکار شهرك اکباتان) که پرداخت حقوقشان مدتی به تعویق افتاده بود ، دست به اعتصاب زدند . در پی این حرکت اساتدکاران نیز با کارگران همراهی نموده و به اعتصاب پیوستند . حرکت متحدانه کارگران اساتدکاران ، مدیریت کارخانه را که قبلا تصمیم داشت کارگران را اخراج نماید ، مجبور به عقب نشینی و قبول درخواستهای آنان نمود .

دزدی و اختلاس در ارگانها و کارخانجات

اخيرا در بنیاد مورچنگ زندگان مسجد سلیمان دزدی بزرگی صورت گرفت ، اعتراض هم میهمان آواران و اجنگ ، مقامات حکومتی را بر آن داشت تا جهت سرپوش نهادن به این خیانتها مسئولین فاسد آن بنیاد را با دادگت نمايند .

رییس بنیاد دمکن شتر نیز اقدام به سرقت میلیونها تومان نموده است ، گفته می شود مسئولین استان در این دزدی شریک بوده اند .

رییس کارخانه ماشین سازی تبریز نیز با ساخت و پاخت با یک سرما یه دار صحنه میلیونها تومان به حبیب رده است و دستگا هها و وسایل کارخانه را که از سوی کارخانسان ۳۰ میلیون تومان قیمت گذاری شده بود ، به مزایده گذاشت و به قیمت ۱۰ میلیون تومان به فرد مذکور فروخته است .

مدیریت کارخانه مشعل سازی به علت دزدی و اختلاس توسط کارگران اخراج گردید ، اما منه فساد در این کارخانه بقدری بالا گرفته بود که حتی انجمن اسلامی کارخانه نیز مجبور به همکاری با کارگران گردید .

در کارخانه پشم و شیشه شیراز کارگران بعنوان اعتراض به اختلاس چند نفر از مسئولان درهای ورودی راسته و مانع از ورود نهار کارخانه شدند . کارگران به حکم مسئولین اداره کار و مدیریت کارخانه ، در تبریز از راه ورود به فراد مزبور اعتراض کردند ، حتی هجوم مأمورین ژاندارمری پاسگاه احمدآباد نیز به درخواست مدیر کارخانه صورت گرفته بود ، با مقاومت سرستانه کارگران روبرو گردید و بالاخره مقاومت و ایستادگی پیروان شد کارگران این کارخانه همواره مجبور به عقب نشینی و نمود موفقیت های کارگران در سطح منطقه با زتاب وسیعی یافت .

زود شکست جوانان "را از دانشجویان ایرانی"

مقیم اروپا سازمان داد . با قار گرفتن رفیق تقی اراتی در رهبری کمونیستهای ایران دوره پریا ردیگری از فضا لیست انقلابی سازمان داده شد ، اما در سال ۱۳۱۶ بقایای رهبری حزب کمونیست ایران توسط ارتجاع رضاشانی به زندان افکنده شده و در آن ۱۳۱۷ دکتر تقی اراتی و یارانش را محاکمه کردند و در بهمن سال ۱۳۱۸ رفیق اراتی توسط دژخیمان رژیم در زندان به شدت رسیده ، با اینهمه پرچم پرافتخار رژیم کمونیستهای ایران بر زمین نیافتاد ، این پرچم به دست حزب توده ایران افراشته نگه داشته شد ، دست به دست از زیر آتش رژیم وابسته پهلوی گذشت و اینک به دست فدائیان و توده ایها پیش رزم کارگران و رنجبران در اهواز ااست . شمت و پنجمین سال تاریخ پریا ر حزب کمونیست و جنبش کمونیستی ایران قاطع ترین گواها نا میرایسی و بیبریز منسیدی جنبش ماست .

زندانیان سیاسی آماج شکنجه و اعدام

از آخرین جنایات و تظلماتی که در ایران در جریان مبارزه با مصلحت‌رسانان رژیم پهلوی و در جریان مبارزه با مصلحت‌رسانان رژیم جمهوری اسلامی، شاهد آن هستیم، اعدام زندانیان سیاسی است. این اعدام‌ها در جریان مبارزه با مصلحت‌رسانان رژیم پهلوی و در جریان مبارزه با مصلحت‌رسانان رژیم جمهوری اسلامی، شاهد آن هستیم. این اعدام‌ها در جریان مبارزه با مصلحت‌رسانان رژیم پهلوی و در جریان مبارزه با مصلحت‌رسانان رژیم جمهوری اسلامی، شاهد آن هستیم.

شاهزاده سعود الفیصل در تهران

او خوار و خوار در پیشگاه ما، بنا به دعوت ولایتی و وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی، شاهزاده سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی، در اس‌هایتی به ایران آمد. این سفر در شرایطی صورت گرفت که جنگ ایران و عراق با همه‌جانبه‌گرا شدن و مناطق مسکونی دو کشور درگیر شده بود. رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست نزدیک با امپریالیسم و در نتیجه، روابط استثنای نظریه‌گرایانه و ترکیبی، اکنون تغییرات محسوس در روابط خود با دربار سعودی وجود آورده است. دیدار وزیر خارجه عربستان از ایران با توجه به سیر رویدادها در منطقه بهیچ وجه غیرمنتظره نبود. از مدتی پیش سردمداران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سیاست نزدیک و دوستی با کشورهای حوزه خلیج فارس و عربستان سعودی را در پیش گرفته‌اند. خائنه‌های رژیم سعودی در گفتگو با الفیصل گفت که "بخشی از کشورهای منطقه ممکن است دوست آمریکا باشند ولی با تسلط مخالفند، ما حاضریم با آنها وحدت مهربانی و دوستی داشته باشیم". سران رژیم که تا چندین پیش در پی ویرانی و گریز از دیندانه دربار سلطنتی سعودی و شیوخ حاکم بر کشورهای سعودی و همکاران فاسق دست نشانده آمریکا هستند، اکنون در ادامه تلاش برای رسیدن به هدفهای خود، رژیم سرپرده عربستان سعودی و کشورهای وابسته خلیج را "فدلسط امپریالیسم معرفی می‌کنند". هدف مقدم رژیم خمینی از تعلق از دربار سعودی و شیوخ مرتجع منطقه، قطع یا تعدیل کفک آنها به رژیم عراق و جستجوی مفری بسیاری بیرون رفتن ازین بست‌ناش از جنگ است. اما پرواض است که جنگ با رژیم عراق و دوستی با رژیم سعودی، رژیم خمینی را در یک سمت واحد می‌کشند و آنهم تسلیم و ذلت هرچه بیشتر در برابر امپریالیسم و ارتجاع منطقه است.

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان در مسکو

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان مردانه ماه آینده در مسکو برگزار خواهد شد. بیش از ۵۰ هزار تن دختر و پسر جوان با عقاید سیاسی، فلسفی و مذهبی متفاوت از سراسر جهان، زیر شعار "برای همبستگی خدا مهربان‌ترین" صلح‌دوستی در این اجتماع شرکت کرده‌اند. اهداف مشترک با هم میثاق می‌بندند. هیات‌های نمایندگان کشورهای مختلف در این اجتماع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود، با شوق بسیار برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر این جشنواره در تلاش‌اند.

جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در سال ۱۹۴۵، در راستای تلاش برای تعمیق همکاری و همبستگی بین نیروهای جوان ترقیخواه می‌گردد. مشترکاً علیه فاشیسم هیتلری و امپریالیسم زاپس مبارزه کرده بودند. با گذشت زمان، از آن زمان تاکنون این جشنواره هر چند سال یکبار در کشورهای مختلف برگزار گردیده است. این جشنواره تجلی شکوه منافع مشترک جوانان و سازمانهای مترقی و پیشرو آنان در راه صلح، دوستی و تفاهت بین‌المللی است.

مصادف شدن دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان با چهلمین سال پیروزی بر فاشیسم آزسوی و شرایط خادین‌المللی در رابطه با تهدیدات خطرناک امپریالیسم برای برپایی جنگ ویرانگر هسته‌ای از سوی دیگر، برجستگی اهمیت ویژه‌ای به گرد همایی جوانان در این جشنواره داده است. جشنواره مکتومحل تبادل نظر و اتخاذ مواضع یگانه جوانان کشورهای مختلف در دفاع از صلح جهانی و جلوگیری از خطر جنگ هسته‌ای و در مساله علیه امپریالیسم جهانی است. در این جشنواره همچنین عرصه‌های گوناگون زندگی و فعالیت جوانان، طرح خواسته‌ها و اشکال مختلف جنبشهای جوانان و دانشجویان، همبستگی با خلقهایی که برای آزادی و استقلال می‌زنند، مسایل همکاری اقتصادی و حفظ امنیت و همکاریهای بین‌المللی از مضامین اصلی مسابقات و گفتگوها هستند.

طی مدت ۱۰ روزه مراسم شرکت‌کنندگان در جشنواره در جلسات بحث و مناظره حول مسایل مهمی چون: سال بین‌المللی جوانان، مسایل مربوط به حفظ محیط زیست، مبارزه با فاشیسم، مسایل کارگران جوان، زنان جوان، دانشجویان، ورزش، متخصصین و هنرمندان جوان، ... تبادل نظر خواهند داشت. تاکنون فعالیت‌های تدارکاتی عظیمی در رابطه با برگزاری جشنواره صورت گرفته است. در چهارمین نشست کمیته بین‌المللی تدارک جشنواره که چندین پیش در مسکو برگزار شد، بیش از ۱۳۰ هیات از کمیته‌های تدارک ملی کشورهای مختلف و ۳۵ سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای، با نزدیک به ۷۰۰ نماینده شرکت داشته‌اند. این کمیته طی ۴ اجلاس گذشته، مسایل مربوط به تعیین محل جشنواره، تعیین کمیسیون دایمی برگزارکننده جشنواره و روش برنامه‌های جشنواره را مورد بحث قرار داده و با اتفاق نظر حول این مسایل و یک سلسله موضع‌گیریهای سیاسی جشنواره کارآمداتی خورا به انجام رسانیده است. در عین حال اقدامات و فعالیتها کمیته‌های ملی تدارک کشورهای مختلف توانسته است اهداف و برنامه‌های استقبال از این جوانان این کشورها معرفی کند. مسایل جوانان کشورهای زبیر را در جلسات بحث و مناظره انعکاس داده و تدارک فعالیت جوانان کشورهای دیگر را انتقال دهد.

در جریان این جشنواره طبعاً پرسشها و بحثهای زیادی بیرون انقلاب ایران، تجربه جوانان ایران در انقلاب، جنگ و وضعیت ائتلاف و سرکوب موجود علیه جوانان کشور مطرح خواهد شد. هیات شرکت‌کننده از کشورها تلافی در ضمن توضیح و انعکاس مسایل جوانان ایران به تدارک جوانان کشورهای دیگر در کشورهای مختلف دست‌یابی بدون نقض هرچه بیشتری در جشنواره به عهده گیرد.

سیاست سازمان بین‌المللی کار در خدمت کیست؟

سازمان بین‌المللی کار، که پراز جنگ جهانی اول، با اهداف دفاع از منافع و حقوق اجتماعات کارگران و دیگرزحمتهای، توسعه همکاری‌های متقابل و بهبود روابط بین‌المللی و مختلف و تقویت صلح وجودی مدوطی این مدت، میثاق‌ها و مواضع نام‌های متعددی در جهت بهبود قوانین کار و امنیت اجتماعی به تصویب رسانده. اکنون مدت‌هاست که دچار بحران عمیق در سیاست و ساختار خود شده و با اشکالات اساسی و اهداف اساسی خویش به مینافذ امپریالیسم و جریانه‌های ارتجاعی خدمت می‌کند. علت بحران حاکم بر سازمان بین‌المللی کار، قبل از هر چیز آن است که نمایندگان کشورهای امپریالیستی عضو این سازمان، با گستاخی و لجاجت مانع از طرح و اجرای مواضع نام‌های مترقی در مورد حقوق کار و مناسبات دموکراتیک، توسط این سازمان می‌شوند، تادی که تسلط سیاست ارتجاعی ایران بر این سازمان، آنرا به بزاری در دست محافل امپریالیستی بدل کرده است.

برخلاف سازمان یونسکو که سیاست مطالبه محافل امپریالیستی نبوده و مورد تحسین امپریالیسم و انگلیس قرار گرفته و این دو کشور با هدف تضعیف آن از عضویت خارج شده‌اند. سیاست حاکم بر سازمان بین‌المللی کار در قیام در راستای "جنگ طبیبی" و یگان علیه نیروهای صلح‌و‌ترقی بویژه جامعه کشورهای سوسیالیستی است. اقدامات تحریک آمیز و مواضع غلبه‌گرایانه لهستان سوسیالیستی، نقض کامل مقررات مربوط به همکاری و مناسبات برابر حقوق فیما بین کشورهای عضو، تبعیض در حق کشورهای سوسیالیستی و بی‌اعتنایی مطلق نسبت به مرمحل و تشنج زدایی، حیثیت و اعتبار جهانی این سازمان بین‌المللی کار را شدیداً خدشه‌دار کرده است. شرکت‌گذاختن این سازمان در جنگ روانی امپریالیستی برای دامن زدن به مصلحت‌گرایانه لهستان، آنهم در شرایطی که گداختنندگان آن، سرکوبی و وحشیانه معدنچیان اعصابی انگلیس توسط حکومت تاجر و فتنه‌پسندان فزاینده علیه حقوق زحمتهای در کشورهای سرمایه‌داری و ممالک وابسته به غرب را اساساً نادیده می‌گیرند، معنی دیگری جز خیانت به اصول و اهداف سازمان ملل، و ارگانهای تابعه آن ندارد.

هم‌اکنون، جامعه‌های سوسیالیستی، دول ترقیخواه و همه سازمانها و ارگانهای وابسته به فدراسیون سندیکایی جهانی، برای تبدیل این سازمان به ارگان خدمت حقوق اجتماعات کارگران و تقویت صلح، یک شعار را وظیفه می‌بریم خود اعلام کرده‌اند: "دموکراتیزه کردن ساختار سازمان بین‌المللی کار".

"نامه مردم ارگان مسرکوزی حزب توده ایران در شماره ۴۹، تحت عنوان چه بلایی بر سر زندانیان مفقود الاثر آمده است می‌نویسد: در زمره اینگونه زندانیان مفقود الاثر، من باب نمونه می‌توان از رفقا رحمان‌تقی (مشهور به عبیدمهرگان)، روزنامه‌نگار و نویسنده انقلابی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، تنگی می‌نشد. عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، سر اسماعیل زنده‌نورد را در اسبهای رژیم پهلوی کذا زانیده است، حسن قزلی، عضو کمیته مرکزی که سالها در ازبکستان و در راه احقاق حقوق خلق کرد مبارزه کرده است و نیز عبیدالرحمن آکا، عضو کمیته مرکزی و نویسنده و محقق نامدار توده‌ای نام برده‌های اینها در زیر شکنجه دهان به دهان می‌گردد.

آخرین جنایات افشاگرانه دعاهای تبلیغاتی سرمداران رژیم، اعدام شدن از مجاهدین خلق است که تنها نمونه از شکنجه‌های رژیم محسوب می‌شود. شواهدی از آن است که طی چند ماهه اخیر رژیم مدهات از زندانیان در بند در مخفیانه اعدام کرده است. هیات‌های تبلیغاتی رژیم در رابطه با زندانیان و زندانیان چیزی بیشتر از یک پوشش برای ادامه جنایات همیشگی وی نیست.

جنایت تازه دیکتاتور اندونزی

اعدام رفیق محمد منیر را محکوم می‌کنیم این روزها دیکتاتور اندونزی جنایت دیگری آفرید. مستور سوارتو، محمد منیر عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی، شخصیت نامدار جنبش کارگری اندونزی، رئیس شورای ملی سازمان مرکزی اتحادیه‌های اندونزی و نایب رئیس فدراسیون اتحادیه‌های جهانی به‌جوخه اعدام سپرده شد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌تواند با اعدام منیر، مواضع شدیداً کمونیست اندونزی این جنایت را محکوم کند و شهادت رفیق محمد منیر را تسلیت گفت. تشدید سیاست ترور و ائتلاف و کمونیست‌کشی در اندونزی، با اعتراض جهانیان مواجه شده است. نیروهای آزادیخواه و مترقی جهان جنایات دیکتاتور اندونزی را محکوم کرده و از بی‌کفایتی آزادیخواهان و کمونیستهای اندونزی دفاع می‌کنند. سازمان ما با این زشتی‌ها و جنایات تکاندهنده همه سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران را قرا می‌خواند تا هم‌بند با همه نیروها، احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه جهان این جنایت را محکوم کنند و به دفاع از انقلابیون در بند رژیم سوارتو برخیزند.

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA
اتریش
حصا به بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

انتخابات ریاست جمهوری
را تحریم کنید!
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیش بسوی جبهه متحد خلق